

**نامه**

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۵  
شبه ۱ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۳ محرم ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

# یکپارچگی خلق پابرجا و استوار است

پس اگر «خونی» باشد از شکست صفوف یکپارچه خلق انقلابی است. از آن خطیسی است که در مسیر محتوای صدها انقلاب حرکت نمیکند، خطی که سنی دارد به شمارهای ظاهر را در پیوسته، یعنی که باطناً عقیب میکند، دست یابد و این هدف حفظ کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، یعنی آن پایگاه اقتصادی اجناسی است، که اگر حفظ شود، راه بازگشت «خستند» امپریالیسم سلطه گر، تجدید و وابستگی همه جانبه کشور ما به امپریالیسم جهانی، بر سر گردگی امپریالیسم آمریکا، یعنی شکست انقلاب باز خواهد بود. مبارزهای که در جبهه داخلی جریان دارد - اگر از مسائل فرمی بگذریم بر سر این مسئله صدها و اساسی است. بقیه در صفحه ۷

دربای توده های میلیونی خلق قهرمان و انقلابی ما، که در نظر هرات مذهبی - سیاسی روزهای تا سوا و عاشورا - صحنه های تاریخی نبرد حق با باطل، راستی با ناراستی، عدل با ظلم - در سطح کشور به تلاطم درآمد، یکپارچگی بوضوح و برجستگی تمام نشان داد که، پشتوانه انقلاب ایران، یعنی یکپارچگی خلق، بر هر هی امام خمینی، پابرجا و استوار است و هیچ قدرتی، بصورت تهاجم نظامی صدامی که سهل است، بصورت تهاجم مستقیم آمریکا نیز قادر به درهم شکستن آن نیست.

امام خمینی میگوید: «من از جنگ خوقرفهارم»، چون در جنگ سرانجام آن جبهه های پیروز است که از حق دفاع میکنند، از عدالت، از استقلال، از آزادی، از تمامیت ارضی کشور دفاع میکند.

جهانی، با وجود برتری شکننده تسلیماتی که در آغاز جنگ داشت باین دلیل شکست خورد که مهاجمان از برتری و تسلیمات خود بود. آمریکا نیز در جنگ با خلق قهرمان و تمامیت ارضی شکست خورد. فرانسه در الجزایر و انگلستان در یمن جنوبی بهین دلیل شکست خوردند. ماشین جنگی هر متجاوز مستمکر و سلطه طلبی، هر قدر هم قدرتمند باشد، در برخورد با یکپارچگی خلقی که بخاطر دفاع از حقوق حقه خود بیاخته باشد، درهم شکسته میشود. جنگ عادلانه، بر جنگ ظالمانه پیروز است. بویژه در دوران ما که تاسیس نیروها در مرز بین المللی بر میان امپریالیسم

### حجت الاسلام خامنه ای:

## امروز ما با وحدت زنده هستیم

ما دو معور برای اداره این مملکت و اداره این انقلاب داریم: امام و قانون اساسی. دشمن اگر تسلط یابد، آزادی را از این ملت خواهد گرفت. آبرو و حیثیت جهانی این انقلاب را حفظ کنید.

سرمایان در میدان، مخصوصاً ای طبقه مستضعف و محروم که همه جا ثابت گردید فداکاریها از همه بیشتر است، شهادت آماده شوید. آمدن های رزمی آن راز یادگینیه حجت الاسلام خامنه ای همچنین بقیه در صفحه ۲

وحدت در میان صفوف خلق برای درهم شکستن توطئه های دشمن متجاوز که به تحریک امپریالیسم آمریکا به ایران یورش آورده، از مردم ایران خواست که آمادگی هر چه بیشتر رزمی بنمایند. وی گفت: «ای مردم ایران، ای

مراسم باشکوه نماز جمعه دیرروز به امامت حجت الاسلام خامنه ای و با شرکت هزاران نفر در دانشگاه تهران برگزار شد. در خطبه های نماز، حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران و نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضمن تأکید بر لزوم

## ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی در عرصه توزیع، تنها راه مقابله با گرانی و احتکار است

# تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در عراق

حزب کمونیست عراق، حزب دمکرات کردستان عراق، جناح مترقی حزب بعث و چند سازمان دیگر ملی و دمکراتیک اطلاع دادند که جبهه واحدی بر ضد دیکتاتوری داروسته صدام تشکیل داده اند و از تمام وسائل برای سرنگونی رژیم صدام استفاده خواهند کرد.

آیت الله محمد باقر حکیم، رئیس جامعه جدید تالیسی روحانیت مبارز عراق، بنویس خود اعلام داشتند که این جامعه به تمام گروه های وادار به انقلاب، چه مسلمان و چه غیر اسلامی، آمادگی همکاری است.

بدینسان، تمام عناصر لازم برای ایجاد یک جبهه واحد از تمام نیروهای انقلابی، ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی، در عراق فراهم شده است. تا انقلاب ضد امپریالیستی عراق را، که در اثر خیانت آشکار صدام و داروسته اش به تاهی کشانده شده است، به سر اصل خود بازگرداند. نخستین گام در اجرای این هدف مقدس، سرنگونی رژیم دیکتاتوری داروسته صدام است.

تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در عراق گام مهمی در پیشبرد اهداف انقلابی و ضد امپریالیستی خلق، برادر عراق بشمار می رود زیرا مرید این واقیعت است که انقلابیون و سینه دوستان و آزادیخواهان عراق، چه سازمانها و گروه های اسلامی و چه غیر اسلامی، به تجربه خونین خود دریافته اند که جز با اتحاد خود، جز با تشکیل جبهه واحد یکجبهه واحد نمیتوانند به رژیم دیکتاتوری داروسته صدام، که با سیاست ضد خلقی خود آب به آسیاب امپریالیسم میریزد و ضد انقلاب را در منطقه و جهان تقویت میکند، خاتمه دهند.

جنگ تجاوز کارانه رژیم صدام بر ضد ایران، که یک فتنه تاریخی بنام معنی کلمه است، بر حقایق موجود در عراق پرتو تازه ای افکند.

داروسته صدام نمی تواند برای توجیه جنگ غیر عادلانه و تجاوز - کارانه خود بر ضد ایران انقلابی دلیل منطقی ب مردم عراق ارائه دهد. آخر برای چه، بدون هیچ علت خرد پذیری، دهها میلیارد دلار به دو خلق برادر زین برسد؟ تبلیغات ابلیسانه ناسیونالیستی صدام داروسته اش علیه ایران انقلابی برای خلق زحمتکش عراق حرف پاره ای بیش نیست. خلق زحمتکش عراق نمی پذیرد که دولت انقلابی ایران میخواهد حتی را از او سلب کند و او باید برای دفع از این حق فرزندانش را به کشتن بدهد. این سؤال برای مردم عراق با تمام حدت آن مطرح است که: ارتش عراق در خاک ایران چه کار دارد؟ تبلیغات رژیم صدام، که تراداد الجزیره چنین و چنان است و آبهای فسطالمرب، همچند یا عرب، هیچکس را نمیتواند متقاعد کند که به این دلیل باید بمب بر سر برادران ایرانی شان ریخت و بین دو خلق مسلمان برادر کشتی برآید انداخت.

رهبری صدامی حزب بعث، که قبل از جنگ تجاوز کارانه بر ضد ایران نیز پایگاه اجتماعی خود را تا حدود زیادی از دست داده بود، پس از این جنگ حتی در داخل خود حزب بعث عراق بسرعت رو به انزوا می رود. پیوستن جناح نفوذی از حزب بعث عراق به جبهه واحد ضد دیکتاتوری نشان این انزواست.

بدینسان جنگ تجاوز کارانه رژیم صدام بر ضد ایران، هم سیاست ضد انقلابی و ضد خلقی رهبری کنونی حزب بعث عراق را برای مردم عراق بیش از پیش فاش ساخت، هم بر لزوم سرنگونی رژیم ضد دیکتاتوری و ضد خلقی صدام تأکید کرد و هم ضرورت اتحاد بقیه در صفحه ۲

## شهر سو سنگرد کاملاً از مزدوران صدامی پاکسازی شد

دشمن تا دو کیلومتری غرب سو سنگرد به عقب رانده شد

مرکزی خبر و خبرنگاری پارس حاکمیت، از نخستین ساعات با تعداد دیرروز تا ساعت ۷ صبح جمعه شهر سو سنگرد از سوی مزدوران عراقی هدف آتش توپخانه قرار گرفت که متقابل نیروهای مدافع شهر به آن پاسخ گفتند. گزارش خبرنگار دفتر مرکزی خبر تعداد تلفات مردم را یک تن شهید و چند تن مجروح اعلام کرد. صبح دیرروز هلیکوپترهای هواپرواز طی تهاجم به مواضع مزدوران عراقی خسارتی وارد آوردند. فضا صدامی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد تهاجم صدامی (پنجشنبه) شهر سو سنگرد در زیر آتش سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت و بر اثر اصابت گلوله های توپ مزدوران صدام به چند منزل مسکونی و همچنین بیمارستان شهر خسارتی وارد آمد و چند تن مجروح شدند و به بیمارستان بستری در بیمارستان نیز، آسیبهایی وارد آمدند.

تیرد مدافسان قهرمان انقلاب به متجاوزین صدامی، همچنان ادامه دارد.

خبرگزاری پارس صبح دیرروز به نقل از فتنه زانسانسری کرمانشاه اعلام کرد در روزهای گذشته انقلاب با اشغالگران صدامی در مناطق شورشی و کندی - سخت همچنان ادامه داشته و چندین موضع و سنگر دشمن نابود شده اند.

صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد پراساس آخرین گزارش رسیده در ساعت ۱۰:۴۰ امروز (دیرروز) یک فروند هواپیمای میل متجاوز عراق به حریم هوایی اسلام آباد تجاوز کرد ولی در اثر آتشبار ضد هوایی دلوران ناگزیر به فرار شده، خبرنگاران خبرگزاری پارس و دفتر مرکزی خبر گزارش دادند «روز گذشته رزمندگان ما در جبهه ایلام یک فروند میگ ۲۳ مزدور را سرنگون ساختند، خلبان این هواپیما به هلاکت رسید و بر اثر اصابت لاشه های این میگ به زمین، دو تن از اهالی تسبی و دو تن دیگر مجروح شدند. به گزارش خبر - ندر دفتر مرکزی خبر شهر سو سنگرد کاملاً از لوت وجود مزدوران دشمن پاکسازی شده و نیروهای ما با عبور از پل رودخانه صابیه دشمن را که از ناحیه غرب و از طریق بستار و روستای دهلاویه به شهر هجوم آورده بود، تا ۲ کیلومتری غرب سو سنگرد به عقب رانند و در حال حاضر دشمن در سنگرهایی به سر می برد که نیروهای ما قبل از هجوم اخیر دشمن به سو سنگرد ایجاد کرده بودند. این گزارش حاکیست که در حال حاضر شهر سو سنگرد زیر آتش شدید توپخانه دشمن است. گزارش خبرنگاران دفتر

## افترا به حزب توده ایران را قاطعانه محکوم و آنرا بشدت تکذیب میکنیم

در ارتباط با اشغال روزنامه «میزان» توسط گروهی که خود را «جوانان جنوب شهر» نامیده اند، هشتم صباغیان در پاسخ سؤال خبرنگار روزنامه کیهان مبنی بر اینکه: «فکر می کنید، این افراد به چه دلیل روزنامه را اشغال کرده اند، گفته است:

«من اعتقاد دارم که اینها از طرف حزب توده و دیگر گروه های افراطی تحریک شده اند. (کیهان، ۲۹ آذر ۵۹)»

اظهارات هشتم صباغیان، یک افترا زشت، یک پرونده سازی و تحریک آشکار علیه حزب توده ایران است. هر کسی که با شی اصولی و انقلابی حزب توده ایران کمترین آشنائی داشته باشد، هر کسی که از کمترین حسن نیت و انصافی برخوردار باشد، میدانند که حزب توده ایران بکار بردن چنین شیوه هایی را حتی با دشمنان کینه توز خود، خلاف شی اصولی و انقلابی و بدور از شان خویش میدانند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران افترا و ادره از جانب هشتم صباغیان را بشدت تکذیب می کند و آنرا بعنوان یک تهمت، پرونده سازی و تحریک آشکار علیه حزب توده ایران قاطعانه محکوم میکند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از تمام مقامات مسئول مصرانه می طلبد که از افترا زنی، پرونده سازی و تحریک بریند و بار علیه حزب توده ایران جلوگیری بعمل آورند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۵۹۸۲۹

## در صفحات بعد

# ملی گرایی و میهن دوستی

صفحه ۲

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در تظاهرات عراقیهای مقیم تهران درباره تجاوز عراق به ایران گفته شد:

### آمریکا تهدید میکند، اسرائیل کمک میکند، صدام اجرا میکند

بعوث روحانیون مجاهد عراق، گروه کبیری اعرافیهای مقیم تهران دیروز به منظور محکوم کردن جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین دست به یک راهپیمایی زدند. این عده درحالی که شعار میدادند «حیضی رهبر، آمریکا دشمن، و یلا کاردهی چون آمریکا تهدید میکند، اسرائیل کمک میکند، صدام اجرا میکند و صدام یزید اجراکننده سیاستهای امپریالیستها و صیونیستها در خاورمیانه است» را حمل میکردند، از میدان امام خمینی به سوی

## سادات اعتراف کرد که برای «نجات اسلام!» به گروههای وابسته و ارتجاعی افغانی کمک مالی و نظامی می کند

بخش عمده مهاجران افغانی، که به ایران آمده اند، در حقیقت نقش ستون پنجم انقلاب ایران را ایفا می کنند

مخدره، اسلحه و سایر کلاه های ممنوع، دزدی و انواع فعالیت های مفسده جوینانه و مخرب زده و میزنند. روزنامه های کشور سا تاکنون موارد متعددی از اینگونه اعمال خرابکارانه را افشاء کرده اند.

هرچند این اعمال بخودی خود خدمت به ضدانقلاب است، اما خطر واقعی این دسته های افغانی در این است که آنها قوای ذخیره امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب نیز هستند، و از آنها که زیر نقاب «اسلام» می توانند آزادانه به همه جا رفت و آمد کنند و از حمایت و پشتیبانی و میهمان نوازی ایرانیان برخوردارند. ضدانقلاب به آسانی از آنها بهره برداری کرده و میکند. رکن اساسی این ضدانقلاب در دفاتر اکثر جمعیتها و احزاب به اصطلاح مبارز افغانی به فعالیت مشغول است، همچنانکه در مورد جمعیت اسلامی افغانستان، قش شد، مستقیما از آمریکا تغذیه میشود. روشن است که این نیروی بدون کنترل افغانی مهاجر، می تواند در انواع خدگامات ضدانقلابی، به دشمن اصلی خلقهای ایران کمک کند. مسلما، همانطور که نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی گفت:

در آینده عناصر شناخته شده و رشکبران سیاسی، که همان دشمنان انقلاب ایران هستند از این قوای ذخیره بهره برداری خواهند کرد.

ما یکبار دیگر، با توجه به واقعات یادشده، خطر ناشی از این قوای ذخیره ضدانقلاب را به مقامات مسئول کشور گوشزد می کنیم و از آنها می خواهیم همانطور که نماینده زاهدان در مجلس گفت به «وضع تعداد زیادی افغانی مجبور البویسه»، که در استان های خراسان و سیستان و بلوچستان پراکنده اند، هرچه زودتر رسیدگی شود و با توجه دقیق به ماهیت سازمانها و احزاب به اصطلاح اسلامی افغانی، فعالیت قوای ذخیره ضدانقلاب خنثی گردد.

خود، توان و نیروی ارزشمند خود را در خدمت تداوم این انقلاب قرار بدهند. مردم را هدایت کنید. وجود هنر اصیل در یک جامعه و در متن یک انقلاب نشانه عمق آن انقلاب است. سعی کنید آبرو و حیثیت جهانی این انقلاب را حفظ کنید. حجت الاسلام خامنه ای سپس خطاب به گروهها و جریانهای که با انقلاب ایران و یا جمهوری اسلامی ایران موافق نیستند و یا به هر تقدیر نارضایی دارند، گفت: «ایضا هشدار می دهیم. بعد از هشدار نوبت احتضار است. از آنها میخواهم کاری نکنید که حیثیت جمهوری اسلامی در دنیای خارج به خطر بیفتد. تظلمهتها را بزرگ نکنید. ضعفهای را که در یک اجتماع هست بپرخال، اینها را علنی نکنید. جلوی چشم جهانیان نگیرید. در کجای دنیا نفس نیست. در کدام جامعه ناپسامانی نیست. دولتهای مستقر بزرگ عالم، این استوانه های تمدن کونی جهان، که خود را لشکر دنیا می دانند، مثل آمریکا، مثل انگلیس، مثل فرانسه، آیا از ناپسامانی میرا هستند؟ جامعه ایست ۲ سال، کتر است، سر کار آمده، با این همه ناپسامانیهای که به ما بهارت رسیده، ما کی فرصت کرده ایم که این جامعه را آنچنان که اسلام میخواهد در این نزدیک به ۲ سال با این همه گرفتاری بسازیم. و کدام نصف هوشمند چنین انتظاری دارد؟ آن کسانی که نفسی، ایرادی، اشکالی سراغ دارند که البته هم نفسها و ایرادها و اشکالهای زیادی هست، البته سعی کنند برطرف شود، با مسئولین در میان بگذارند، تلاش بکنند، دلسوزی بکنند، راهنمایی بکنند، اما جلوی چشم مردم دنیا نگیرند حجت الاسلام خامنه ای سپس، ضمن اشاره به تبلیغات عظیم امپریالیستی برای بزرگ جلوه دادن اشکالات انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، گفت:

«اگر اشکال سراغ دارید، تلاش کنید، توان بخرج دهید، نیروهایتان را یکی کنید. بهمدیگر کمک کنید، این اشکال را برطرف کنید، راهش این نیست که ما باییم به دنیا اطلاع بدهیم اشکالات و ایرادها را. مردم ما در هر نقطه ای از مناطق این مملکت و در هر قشری از اقشار اجتماعی زندگی می کنند، مشکلات را لمس می کنند.»

سرکوب انقلاب افغانستان و سهرن این بدستمال امریکاست، تا جی خالی رژیم شاه ملعون در منطقه پرشود. خطر ایجاد چنین رژیمی بیش و پیش از همه چیز متوجه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، تا صدام، مانند نیز از شرق وطن ما به یورش بپردازد.

اما خطر به اصطلاح «مبارزان» افغانی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در همین حد محدود نیست. این خطر متأسفانه مدتهای زیادی است که بداخل مرزهای ایران کشیده شده است. بدنبال پیروزی انقلاب ایران، هزاران افغانی تحت پوشش «مهاجر» به خاک ایران و بویژه استان های خراسان و سیستان و بلوچستان «مهاجران»، زحمتکشی هستند که، بنا بر یک سنت تاریخی، در جستجوی «فان» و «کار» به ایران آمده اند. اما، بخش عمده این «مهاجران»، که توسط «سازمانها» و «احزاب» رنگارنگ - که بقول روزنامه انقلاب اسلامی تعداد آنها به ۵۰۰ می رسد - بکار گرفته شده اند، و از آنجا که زندگیشان توسط همین «احزاب» و «سازمانها» تامین میشود، کساری غیر از کوشش در راه اهداف آنها، که مستقیما از «بتاگسون» و «دسیا» دیکته میشود، ندارند. در سایه همین گروههاست که بخش مهمی از اوپوشان، قاچاقچیان و دزدان حرفه ای افغانستان، که ادامه حرقه «تریف» نشان در افغانستان دشوار شده است، ایسران را جولانگاه بدون مانع جنایت خود ساخته اند. بسیاری از همین عناصر هستند که دسته به قباچاق مواد

انقلابی، که هنوز در تردید بسر میروند، نشان میدهد که زنجیره وسیع افغانستان در نزد کارترها، تاجرهای اسیته ها و دست نشاندهگان آنها نظیر ساداتها و ضیاعالحقها بافته میشود.

اعتراف صریح سادات به کمک مالی و نظامی به «مبارزان» افغانی، که از صدای آرایش آمریکا هم بخش میشود، بار دیگر این واقعیت را اثبات می کند که اکثریت مطلق «سازمانها» و «احزاب» افغانی، که با افزودن صفت «اسلامی» بخود، در پاکستان و دیگر نقاط علیه انقلاب دمکراتیک افغانستان به مبارزه پرداخته اند، توسط امپریالیسم آمریکا تشکیل شده اند و با کمک همه جانبه امریکا، پاکستان و چین و سایر دوستان و دست نشاندهگان امریکا به فعالیت ادامه میدهند.

تلاش این گروهها تنها تجدید حیات رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا و زنده کردن مناسبات کهنه غارتگری نیمه-قودالی و سرمایه داری در افغانستان است. هدف از این «مبارزه»

اتوسادات است که کوس رسوائی او را بر بام جهان زده اند - سرانجام صریحا اعتراف کرد که به «مبارزان» افغانی کمک مالی و نظامی میدهد، تا برای «نجات اسلام» به مبارزه ادامه دهند!

سادات گفت: «کثور من به مجاهدان افغانی کمک مالی می کند» (رادپوا مرید - ۱۹ آبان ۵۹)

وی درحالیکه شدیداً به کشورهای جبهه پایداری عرب حمله می کرد و آنها را «دشمنان اسلام» می خواند، افزود: «مجاهدان افغانی از مصر کمک مالی و نظامی می گیرند تا برای نجات اسلام به مبارزه ادامه دهند.»

اعتراف سادات یکی از آخرین شواهدی است که، بعد از بستن بوس رفتن رهبران «مبارزان» افغانی نزد سادات و کارترس، پرداخت کمک مالی آلمان غربی از طریق ژنرال ضیاعالحق برای «مبارزان» و دهها تشنه و خیر دیگر، به آن نیروهای ضد دین

اساسی را درس بگیریم» وی سپس به لزوم درک هرچه بهتر مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: «قانون اساسی ملاق و معیار است. باید بر طبق قانون اساسی عمل بشود. آن کسانی یا گروههایی که قانون اساسی را قبول ندارند تحمل کنند، تسلیم اکثریت این جامعه بشوند. بر طبق قانون اساسی همه ضوابط، همه حدود، همه تکالیف معین شده. قانون اساسی سه قوه را مشخص کرده. اختیارات سه قوه را معین کرده، رسیدگی به خصومتها و اختلافات و تنازعات را مرجع قرار داده. مردم باید قانون اساسی را بدانند امام جمعه تهران همچنین گفت:

«سعی کنید، هر کسی، در هر مقامی، سعی کند وحدت این ملت یکپارچه و صادق و معصوم را برهم نزند» حجت الاسلام خامنه ای سپس، در خطبه دوم نماز جمعه دیروز ضمن اشاره به کوششهای همه جانبه استعمار برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی ایران و محروم کردن انقلابیهای رهائی بخش در منطقه از یک پایگاه استوار و محکم، گفت:

«استعمار میدانند که اگر جمهوری اسلامی ایران استقرار پیدا کند و پا بگیرد، جبهه مقاومت علیه صیویسم و علیه اشغالگران فلسطین یک معنا و مفهوم جدی و واقعی پیدا خواهد کرد.»

حجت الاسلام خامنه ای همچنین گفت: «استعمارگران» باز هم آلت دستهای خود را در زمینه تبلیغات وارد کرده اند که برای استحقاق قدرتها نسبت به نفت این منطقه قوا صادر کنند، روحانیت دست نشانده اروپای مسیحی که بخش عظیمی از روحانیت مسیحیت در غرب جهان است قوا صادر کرده که این قروتهای زیر زمین مال همه دنیا است. وقتی نفت ایران مال خود ایران نیست، مال همه مردم دناست. و منظور از همه مردم دنیا، قدرت استعماری و استکباری آمریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و غیره ذالک است، والا آنها دلشان برای مردم دنیا نمیسوزد. بخوبی روشن است که قطع منابع ثروت از کیسه این جهانخواران بین المللی، ضربه بزرگی بر آنها وارد می کند. این است که درصددند نگذارند جمهوری اسلامی پا بگیرد. ما متقابلا مقاومت کرده ایم، ما یک ملتی هستیم که حاضر شده ایم فداکاری کنیم، جان بدهیم و مقاومت کنیم، آفرین بر این ملت. ما بر اثر این مقاومت خیلی چیزها بدست آوردیم. رژیم پهلوی راسط گردید، رژیم صدام یزید هم در حال سقوط است. به ما خبر می رسد که ثروتهای ثروتمندان عراقی و وابستگان به دستگاه های استکباری در عراق، از عراق مثل سیل خارج میشود و تبدیل به طلا می شود، بطوریکه قیمت طلا در بازارهای جهانی ترقی کرده، دارند در می روند.»

حجت الاسلام خامنه ای در بخش دیگر سخنان خود گفت: «و شما ای مردم ایران، ای سرایان در میدان، مخصوصا ای طبقه مستضعف و محروم که همه جا ثابت گردید فداکاری شما از همه بیشتر است، شما هم آماده بشوید. آمادگیهای رزمی تان را زیاد کنید، بسیج باید فعال شود، وضعی که امروز بسیج دارد وضع مناسب با انقلاب ما نیست.» حجت الاسلام خامنه ای خطاب به هنرمندان و نویسندگان ایران گفت «من از همه شما، از همه نقاشیهای خوب، از همه هنرمندهای گوناگون بنام یک برادر مسلمان میخواهم، هنر

## گلستان بی خزان

این گلستانی که تر دلها لاله بسیار رویانده است  
وز درون سینه اش تاپان چشمه خورشید جوشانده است  
این گلستانی که پای درختان کهنش تکیه گاه محکم گلیوتهای تزه روئیده است  
از هجوم باد پائیزش هراسی نیست  
باغ ما باقی است  
ریشه در اعماق دارد  
این گلستان را خزانی نیست  
آفرینار (دانش آموز) - ۵۹ ر ۵۷

### حجت الاسلام خامنه ای...

از همه گروهها و سازمانها و همه مردم خواست که برای رفع دشمنان با همه قدرت و توان و با حفظ اتحاد خویش وارد عمل شوند. حجت الاسلام خامنه ای در خطبه اول نماز ابتدا ضمن اشاره به جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در جبهه های نبرد گفت: «ای شهیدان عزیز، ای بچه های فداکار، ای خلبانانیکه از جانتان می گذرید و به میان آتش دشمن می روید. ای جوانان فداکاریاسدار و سرباز که با همه دل و با همه وجود آماده فداکاری هستید و در جبهه ها می جنگید، یاد شما در ذهن و در دل ما زنده است.»

وی ضمن تاکید بر ادامه نبرد با دشمنان انقلاب، تذکرشده: «هنوز وقت آن نرسیده است که افرادی، مردمی، گروههایی با هم تصفیه حساب کنند. هنوز نیاز ما به وحدت باقیست. هنوز توصیه امام در این فضا زنده است.»

حجت الاسلام خامنه ای افزود و تفرقه ایجاد نکنید، به تفرقه افکنان کوشش ندهید، سخنان تفرقه افکن را فراموش کنید.

حجت الاسلام خامنه ای سپس در مورد لزوم حفظ وحدت برای دوع از جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان انقلاب گفت: «امروز ما با وحدت زنده هستیم. بخدا اگر میان صفوف ملت جدایی بیفتد، اگر گرایشهای سیاسی، دوستیها و دشمنیها میان مردم جدا می بشود، این گروه و آن گروه نمی شناسد، دشمنی که در کسین تماس، استکبار جهانی است. یک نمونه کوچکش را در رفتار مردوران صدام یزید در روستاهای بنی هومیزه و سوسنگرد و در بخش اشرفی شهر حرمشهر ببینید، ببینید چه کرد دشمن، ببینید که وقتی دشمن مسلط بشود چه می کند. دشمن اگر مسلط بشود، آزادی را از این ملت خواهد گرفت، اسلام را از این ملت خواهد گرفت، جمهوری اسلامی را از این منطقه بر خواهد افکند، باز هم میان قشر - های مردم در قانون، در حقوق، در حدود، نابرابری ایجاد خواهد کرد. این نعمت بزرگ را از آسین از دست ندهند، آنرا فدا نمی خواهند، هوسها، خودخواهها، خودکمگیها نکنند، به حال این ملت رحم کنند. خون شهیدان می جوشد و خونهای دیگر طلب می کند»

حجت الاسلام خامنه ای افزود «از من بشنوید، مردم، شما وارد اختلافات سیاسی نشوید. بگذارید اختلاف انگیزان و اختلاف کنندگان هر چه می کنند، بکنند، شما وارد نشوید. ما در محور برای اداره این مملکت و اداره این انقلاب داریم، امام و قانون اساسی. سخن امام، نظر امام، رای امام، رهنمود امام را قدر بدانید... حضور امام در جامعه را قدر بدانید مردم، سعی کنید نظر امام، رای امام را محترم بشمارید.» امام جمعه تهران در بخش دیگری از سخنانش گفت:

«من خودم به امام عرض کرده، به ایشان نشانی از مردم حساب کنید، روی این مردم خیلی باید حساب کرد. در مردم عیب و نقصی نیست، مرد آماده اند. خود امام هم بهتر از من این را می دانند. حال هم توصیه می کنم مردم، نظر و رهنمود امام و قانون اساسی. قانون اساسی خوبهای شهیدان ماست. برادران و خواهران قانون

# ملی گرایی و میهن دوستی

## ۱- طرح مسئله

انقلاب ایران مسئله دقت علمی در مفاهیم را با قوت مطرح کرده است. درست است که بنیاد رسمی و مسلط در انقلاب ایران بنیاد اسلامی است، ولی در شکل گیری نظریات سیاسی مربوط به جامعه حاضر، هر بنیاد نیازمند است مقولات نوینی را بپذیرد و آنرا با تعاریف هر چه دقیق تر همراه سازد، تا بتواند به باری این ساز و برگ های منطقی پدیده های بفرخ اجتماعی را بهتر بشکافد و به کنه و راز آن پی ببرد. بی پایکی این مسئله که اگر واژه های در متون مذهبی نامیده و زندگی امروزی آن را به میان کشیده نباید به کار برده شود، روشن است. هزاران واژه مذهبی و فنی و اجتماعی و هنری امروز به کار می رود که در سابق مرسوم نبوده است. به همین جهت، بر خلاف ادعای حسابگرانه برخی، که گویا اگر یک سلمان و یسجد لغت "لیبرال" را به کار برد، چون این واژه در متون مذهبی نیست، لذا شرکت گناهی شده به نظر مایل نوع احتجاج، غلط محبت آشنایی است. اکنون همه گروه های سیاسی در ایران اصطلاحاتی مانند "طواغوت" و "مستضعف" و "ستکبر" و "شیطان بزرگ" و غیره را به کار می برند، که دارای منشأ اسلامی است زیرا این اصطلاحات در انقلاب ما تبلور واقعیت های شخصی شده است و برای توده مردم مفهوم است. دو اصطلاح مهم دیگر که در انقلاب ما محل کاربرد مشخص و ضرور یافته "ملی گرایی" (به معنای ناسیونالیسم) و "میهن دوستی" (به معنای پانرئوتیسم) است. اهمیت تشخیص این اختلاف این دو مفهوم، که برخی ها آنرا همانند می گویند، در آن است که برای توده های وسیع مردم، میهن دوستی اصلی است پذیرفتنی، ولی ملی گرایی اصلی، سیاسی، روش تشریحی است رد گردنی. و حال آنکه معنی گسارهای (ناسیونالیست ها) این دو مفهوم را عمیق هم میدانند و این تصور برایشان محال است که چگونه می توان میهن دوست بود و ملی گرایی بود. برای آنها تفاوت گذاری بین دو مفهوم تاریخی و فراتر دارد و در آن نوعی تحریک و پیونده سازی علیه خود می بینند و حال آنکه چنان نیست.

برای نيل به روشنی بیشتر، نخست هر یک از این دو مفهوم را جداگانه مورد بررسی قرار میدهم و طبعی است که در این بررسی ما بر سبب تنگ بین سیاسی حزب، یعنی سوسیالیسم علمی تکیه داریم. به نظر ما چون این بنیاد از دیدگاه تحقیق واقعیت های متحول تاریخی بدون مداخله ذهنیات عمل می کند، نمره استنباطش دارای ارزش عام علمی است و می تواند قابل پذیرش آن کسی نیز قرار گیرد که سوسیالیسم علمی را درکش قبول ندارد. هر اسان معنی به حقیقت، هرگاه بی بهره که حقیقت است، بدون پدیدآوری کردن می نهد.

## ۲- ملی گرایی چیست؟

ملی گرایی سیاست و ایدئولوژی بورژوازی است در مسئله ملت. در مسئله ملی، و به همین جهت با سایر منابع طبقاتی بورژوازی در این مسئله بخصوص است. بورژوازی هر کشور، در سرمد علیه اشرافیت فئودال و نیز در مبارزه بر ضد سطره غارتگران، از این سلاح فکری و سیاسی استفاده می کند، تا بازار کشور خود را متحد سازد و تحت نظارت خود قرار دهد. اگر در آن کشور اقوام گوناگونی زندگی کنند، طبقه و بورژوازی آن قومی که برده تر و سطره مندتر است، از همین سلاح فکری و سیاسی (یعنی ملی گرایی) برای تاسیس و تحکیم تسلط خود بر همه آن اقوام و سرکوب حقوق قومی آنها استفاده می جوید و راز و فریبک خود را به زبان و فرهنگ عام بدل سازد. هر دو این پدیده ها در تاریخ اخیر کشور ما دیده شده است.

ملی گرایی در دست بورژوازی پیروزند هر کشور سلاحی بنیادین برای انکار وجود طبقات مختلف و دعوت به وحدت ملی، که در واقع چیزی سبب جرد دعوت به اطاعت زحمتکشان برده از طبقات و قشرهای ممتاز و بهره کشی. وحدت ملی، در جامعه ای که در آن ستم اقتصادی و اجتماعی و ملی وجود دارد، فاقد معنوی است. ملی گرایی در همین حال با یک سلسله ضربات غلط یا غلو آمیز، به کین و غرور از

می آورد. در این حال ملی گرایی کذایی به "جهان وطنی" (کوسپولیسیسم) می صفاتند بدل میشود. "وطن آنجاست که دل خوش ماند" (اگر الهیه و فرمایند، محله "بوری هیل" در لوس آنجلس!)

۴) ملی گرایی بر حسب آنکه در کدام کشور: سطره مند باز سطره باشد، رنگ های مختلفی می گیرد که پس از تغییر نمودار اصلی (عامل سطره) آن رنگها نیز به آسانی عوض میشود. ناسیونالیسم تحت سطره بجانب استقلال و آزادی گرایش دارد، ولی ناسیونالیسم سطره مند این اصول را در حق منتهای دیگر برسمیت نمی شناسد. بدینسان دوتوی ملی گرایی، مترقی و ارتجاعی، پدید می آید. ناسیونالیسم مترقی تنها در قیاس با ناسیونالیسم ارتجاعی، مترقی است. سولی همه استعدادها را بر حسب طبقاتی و استمار جویانه خود، برای پذیرش سه های ارتجاعی واجد است. مثلاً ناسیونالیسم مترقی بورژوازی ملی در "جهان سوم" بحسب مواجبه با موج انقلابی خلق، به محض در خطر دیدن منافع طبقاتی خود، به آسانی به دامن همان استعماری می گریزد که تا دیروز با آن در نبرد بوده است، به آسانی متکرهان آزادی هائی می شود که وقتی خود ستم می دید، خواهان آن آزادبها بود! لذا سیاست و ایدئولوژی "ملی گرایی" از جهت زمانی (تاریخی) و مکانی (در کدام کشور، سطره مند یا بر سطره) نوسانی را از قلمب ارتجاعی سلطه گرایی (هژمونیک) و شونیک تا قلمب نسبتاً مترقی مبارزه، بود استقلال و آزادی علیه امپریالیسم طی می کند. و تنها راه آنکه ملتی مقتدر و آزاد از سطره، خود به سطره گرایی روی نشیند، آنست که از قدسیات و ایدئولوژی ناسیونالیسم رها گردد، یعنی به طبقات خلق، به طبقات مولد و زحمتکش که خواستار اتحاد جهانی همه خلق ها با حفظ استقلال و خود بودگی هر یک هستند، تکیه کند و میهن دوستی را جانشین ملی گرایی سازد.

۵) ملی گرایی بر حسب طبیعت خود با روح بین المللی طبقه کارگر مخالف است. این مخالفت عوام فریبانه و سالوسانه است. چنانکه گفتم بورژوازی و متحدانش در قشرهای دیگر جامعه، خواه بخشی وابسته، خواه بخش ناوابسته (وقتی به قدرت برسند) وطن نمی شناسند و برای حفظ سود، حفظ کسبه پول و تاسیس هدف های ملی گرایی، خود را برای هم طبقه های زورمند تر خود در جهان می انگیند. ما این جریان را از جمله در کشور خودمان در دوران حکومت صحت ساله پهلوی، که مظهر قدرت بورژوازی وابسته بود و سیاست خود را به دروغ "سیاست مستقل ملی" اعلام میکرد، دیده ایم. ولی همین بورژوازی چاکر صفت، طبقه کارگر و مبارزش را، که با صراحت و بر حسب مقتضیات طبقاتی و انسانی خود، از ضرورت اتحاد جهانی توده های زحمتکش جهان برای براندازی بنای شوم استعمار و استعمار دم می زنند، به "وابسته بودن" و "خیانت به ملت خود" متهم می سازد. این سالوسی پلید در نزد همه قشرهای بورژوازی و در همه کشورها دیده می شود. بورژوازی ناوابسته (با بطور نسبی نوابسته) که در برهه نخستین انقلاب ما (دوران براندازی) با نیمی از قلب در آن شرکت جست، در دوران کنونی که انقلاب خلق می خواهد تارهای وابستگی و بهره کشی را بگسلد، آن هیجانان پیشین را از یاد می برد و در همان مواضعی قرار می گیرد که بورژوازی وابسته در زمان رژیم پهلوی قرارداد است.

سیاست و ایدئولوژی "ملی گرایی" که در خطوط کلی، از پیدایش و تکامل طبقات آن سخن گفتیم، یک سیاست و ایدئولوژی با نفوذ و خطرناک است. نعتها بورژوازی، خرده بورژوازی شهرورده نیز، به سبب وابستگی های اقتصادی به سیستم سرمایه داری، زمینه پذیرش آن را می توان شوه، تفکر و عمل سیاسی خود و گاه با همه افراط های خشن آن، دارد. این ایدئولوژی حتی در اثر تبلیغ و اشاعه، در میان زحمتکشان رخس می کند وای چه سا کسبی که اندیشه های انقلابی را می پذیرد، ولی "کمیته" آنها در پذیرش انترناسیونالیسم و جهان گرایی بر لتری لنگ می ماند و می خواهد بنیاد انقلابی کارگری را با بنیاد سیاسی ملی گرایی بیود دهند. ماوئیسم یک نمونه کامل اختلاط ناهمساز عناصر ایدئولوژی انقلابی با ملی گرایی است، که سرانجام باید یک عنصر ناهمساز حای خود را به دیگری بدهد. در شرایط کنونی ما با علیه خطرناک عنصر ملی گرایی در این ایدئولوژی روبرو هستیم. در این مقاله حای انطباق مطالب پشتگفت بر روی تاریخ کشور ما نیست، ولی کسی که نوحه کند، به آسانی می بیند که ما چه دمنی تمام

حواس این بحث در جامعه ما بویژه از اوان انقلاب مشروطیت به این طرف نارتابانه است. تاریخ ملی گرایی و فرارو شب آن در کشور ما البته قابل بررسی است. ملی گرایی مترقی شناه ایدئولوژی و سیاست در دوران حکومت ملی شادروان دکتر محمد مصدق در کشور ما نقش بزرگی ایفا کرد. چیزی که ما به مزید احترام مردم ما نسبت به این رجل نامدار ایرانی است. ولی ملی گرایی قشرهای صنی از سرمایه داری ایران در دوران انقلاب اخیر، چنانکه در پیش نیز اشاره کردیم، از همان آغاز نقتی ناساز، نومانگر و متزلزل ایفا کرد و بنی از پیش، و به تناسب سط جنتی انقلابی توده ها و به لرزه در افتادن پایه های بهره کشی فردا فرد، به مواج ناسازگاری با انقلاب و حتی بدبینی نسبت به آن درمی غلطد و سارعتی اسف آور بجانب دشمنی کامل با آن گام برمی دارد. ما از شکست ملی گرایی ستاره سیاست و روش بسی شادمان می شویم، ولی کوچک ترین نظر شخصی به ملی گرایان نداریم و امیدواریم که آنها نتوانند مشغلات انقلاب ایران را درک کنند و بناه اصطلاحی که برخی ملی گرایان دوست دارند بکار برند، "جوبلای جرح" این انقلاب گذارند. بدین سان باید گفت که کوشش ملی گرایان، برای جازدن ایدئولوژی و سیاست ملی گرایی، که حدود و غور تاریخی آن روشن است، بجای میهن دوستی، کوشش غشی است. اینک وقت است که بنگریم میهن دوستی میجه هانت؟

## ۳- میهن دوستی چیست؟

میهن دوستی، یعنی عشق و علاقه به سرزمین وطن و مردم آن و تلاش برای خدمت به آن. لنین آنرا "یکی از ژرف ترین عواطف، که طی سده ها و هزارها در اثر وجود سرزمین جداگانه در روح انسان پدید آمده است"، میدانند. رابطه دوری در دودمان های اولیه و احساس خویشی قبیله ای در قبال و بسبب اتحاد قابل پیشینه تاریخی این "عاطفه زرف" است.

بندریج عاطفه میهن دوستی از جهت معنوی خود غنی تر و غنی تر میشود. به احساس علاقه قومی، علاقه فرهنگی (مانند علاقه به زبان مادری و آداب زبانی خودی) و سرانجام عاطفه مدنی مزید میگردد، یعنی انسان خود را "شهرود" جامعه، همین و مدیون بدان جامعه احساس می کند، احساس می کند که در قبال آن جامعه، که او را پرورده و از نعمات مادی و معنوی برخوردار کرده، متعهد و مسئول است. این احساس شهروندی بصورت علاقه به رشد و تکامل همه جانبه، مادی و معنوی میهن، دفاع از آن در قبال فاساد و مهاجمان بیگانه و رها ساختن جامعه از ستم های طبقاتی در می آید و بویژه نزد زحمتکشان بصورت برآشتگی و پیوستن علیه ستم های گوناگونی که بر خلق روا داشته میشود، بورژوازی می کند. احساس انقلابی توده ها علیه ستم و غارت اجتماعی و ملی، بخشی است از عاطفه میهن دوستی و بخش بسیار مهم آنست. به همین جهت بورژوازی، که مایل است نظام سلطه و غارت را نگاه دارد، این احساس انقلابی را بطور منسوخ و "آریا نچاری" و "هرچومرچ" می نامد.

میهن دوستی در تاریخ، روند تکاملی حای را طی کرده است. تا قبل از استقرار سلطه بورژوازی، میهن دوستی صورتک ایدئولوژیک تمام عبار خود را کبب کرده بود و بصورت "عناصر جداگانه"، مانند علاقه به سرزمین بدری و "حب الوطن" در روان اجتماعی حای داشت.

میهن دوستی از زمان پیدایش "ملت" و به عرصه آمدن بورژوازی در دوران طبقاتی قیامش علیه اشرافیت فئودال، شکل گرفت. اندیشه پردازان بورژوا، که بر ضد فئودالیسم سخن می گفتند، از وطن (به معنای سرزمین و مردمش) و سرودن آن دم می زدند و خود سر از معنوی تنگ و محدود طبقاتی این شعار عاقل و بی حیر بودند. آنها به میهن دوستی برای تاسیس هدف اقتصادی خود یعنی بازار واحد و تولید کالاها و احراز بر کنترل خود بازار دانستند. کالاشا استقرار نظامات سرمایه داری و شنیدن نهاد ناهمساز (آنتاگونیستی) در این جامعه. ایدئولوژی ملی گرایی بورژوازی (که مدعی است همان میهن دوستی است) حساب خود را از ایدئولوژی میهن دوستی حلی (که کاری با میهن دوستی بورژوازی ندارد) جدا می کند. لنین در هرمان جنگ اول جهانی مقاله ای نوشت تحت عنوان "در باره" عبور ملی روسیا". در این مقاله جنس می خواهم:

بقیه در صفحه ۵

# طبقه کارگر با جنگ و دندگان ازمیهن انقلابی و از انقلاب خلقی خود دفاع می کند

## کارگران و زحمتکشان مازندران نیز در این نبرد شرکت دارند

"جنگ ما بیگانه بر ضد تجاوز و ظلم و زورگویی است. جنگ ما عادلانه است. پس باید با همه نیرو برای پیروز شدن در این جنگ عادلانه، یعنی بیرون راندن تجاوزگران تا آخرین نفرو نجات انقلاب از توطئه امپریالیسم جنایتکار آمریکا بکوشیم."

(نامه "مردم" صفحه ۵ شماره ۳۵۸، ۲۳ بهمن ماه)

مردم قهرمان ایران مصمم به مبارزه و شرکت فعال در این نبرد میهنی هستند. مردم ایران، بویژه زحمتکشان و در رأس آنها طبقه کارگر قهرمان ایران، که بیشترین وزن خرابی و بی خانمانی بر شانه های بر تحمل او سنگینی می کند، اکنون مصمم اند که با جنگ و دندگان از میهن انقلابی خود و از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود دفاع کنند و در این راه آماده هرگونه ایثار و فداکاری هستند.

کارگران نساج قاتم شهر، که در تمام دوران حیات تولیدی شان الحق که وظیفه طیفاتی خود را انجام دادند و نقش های مهمی را در مبارزه علیه رژیم جنایتکار پهلوی ایفا کردند، بعد از تجاوز رژیم مزدور صدام به کشور ما نیز به مبارزه ادامه می دهند.

تعداد قابل توجهی از کارگران به جبهه اعزام شده اند و برای دفاع از میهن انقلابی خود قهرمانانه در جبهه ها می رزمند. با اینکه کارخانجات نساجی قاتم شهر با کمبود افراد روبرو است، ولی کارگرانی که در پشت جبهه چرخ های تولیدی را به حرکت در می آورند، با فداکاری و تلاشی و اتحاد، برای رفع این مشکل می کوشند.

در رژیم جنایتکار گذشته، کارگران مبارزه کردند. تا تعداد ماشین های بافنده، که در اختیار هر کارگر قرار می گیرد، کاهش یابد و در این راه تا اندازه زیادی هم موفق شدند. ولی امروز که میهن انقلابی ما شرایط بسیار حساسی را می گذراند و طبقه کارگر در برابر یک آزمایش سنگین دیگر قرار گرفته و مطمئناً به خوبی از این آزمون سربلند بیرون می آید، خود داوطلب تحویل ماشین های بافنده بیشتری شدند. تا جای کارگرانی را که به جای تولید، آتش مسلسل را به سوی دشمن شریک می کشانند، بپرکنند و بدین ترتیب، بادیستی از میهن انقلابی دفاع شود و با دست دیگر چرخ های تولید به حرکت درآید.

علاوه بر تعداد زیادی از کارگران، که خدمت سربازی شان در سال ۵۶ پایان یافته بود، کارگرانی هم داوطلبانه اعزام جبهه شدند.

روز یکشنبه ۲۷ بهمن ۵۹ تعداد ۱۰ نفر کارگر از کارخانجات شماره ۲۰ و شماره ۳ نساجی قاتم شهر آمادگی خود را جهت اعزام به جبهه غرب کشور اعلام کردند و در روز چهارشنبه ۵۹/۷/۳۰، تعداد ۳ مینی بوس از داوطلبین، که در ستاد بسیج آموزش دیده بودند، در حالی که مردم شهر برای بدرقه آنها جلوی ستاد بسیج اجتماع کردند، در ساعت دوازده و سی دقیقه به سوی جبهه حرکت کردند.

علاوه بر تلاش فعال جهت شرکت در مبارزه و هم چنین جهت افزایش تولید و حفظ و حراست از کارخانه و معمولات آن، همه کارگران و کارکنان یک روز حقوق و مزایای خود را جهت کمک به جرابی های جنگ احتصاص دادند و جبهه ۳۵۰۰۰ ریال به حساب بانکی حلال احمر واریز کردند.

کارگران کوره یزخانه های مازندران هم با جان و دل از انقلاب دفاع می کنند، و با این که در شرایط بسیار ناسامدی روزگار می گذرانند و مشقت زندگی از هر طرف بر آنها فشار می آورد، می گویند: تا خون در بدن داریم از انقلاب دفاع می کنیم.

در این زمینه به صاحبان کوره های آجر که در یکی از کوره های نگا صورت گرفته اشاره می کنیم: کارگران آجرپزی های گله گل: ما تا خون در بدن داریم، علیه تجاوزین یعنی مبارزه می کنیم.

گله گل نام روستایی است در حدود ۵۵ کیلومتری نگا (بین نگا و بهشم) - جاده های خاکری، جاده شوره واقع می کند و مستقیم تا خود روستا ادامه می یابد. در دو طرف این جاده ها، خاکری کوره های متعدد آجرپزی (دستی) قرار دارند. کوره ها سر می زنیم.

کوزه حاج علی اصغر (کوره ها به نام صاحبان آنها نامیده می شود و اغلب چند نفر در یک کوره شریک هستند) نزدیک ترین کوره است. آقای علی اصغر به محض اطلاع از ورود ما، کارش را رها می کند و به سوی ما می آید. شلوارهایش را تا زانو بالا زده و هنوز گل و لای تازه به پاهایش چسبیده اند.

س: نظر شما درباره جنگی که اکنون بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم تجاوزگر بعثی در جریان است، چیست؟

ج: "ما از کوچک و بزرگ و تا خون در تن ما هست، همراه با همه هم در راه اسلام و میهن مبارزه می کنیم."

یکی از کارگران این کوره، که جوانی ۲۲ ساله به نام شعبان بالویی است، به همین سؤال، چنین پاسخ می گوید:

"باید از کشور خود با تمام وجود دفاع کنیم."

از اصغر آقا درباره: بسیج سؤال می شود. او چنین پاسخ می دهد:

"در ده ما، گله گل، مقدار زیادی، از برنج و پول گرفته تا همه چیزهایی که می توانستیم، جمع کرده و به جبهه فرستادیم، و طبق فرموده حضرت آیت الله منتظری قرار است به مناسبت عید قربان هم مائلفی جمع آوری کرده بفرستیم."

س: نظر شما درباره آتش سوزی که این روزها رژیم صدام حسین از روی عجز و ناچاری مطرح می کند، چیست؟

اصغر آقا چنین جواب می دهد: "نظر ما همان نظر اتمام است، و باید تا خون در بدن داریم، مبارزه کنیم."

س: آیا در سطح اسم نویسی کرده اند و در روستای شما این مسئله چگونه انجام یافته است؟

اصغر آقا: "در ده ما همه اسم نوشته اند. خود من هم می خواستم اسم را بنویسم، ولی چون پسر اسمش را نوشته بود، اسم مرا دیگر ننوشتند. همین امروز هم قرار است که پاسدارها بیایند برای آموزش."

محمد استوار، یکی از کارگران ۲۲ ساله، چنین می گوید:

"من خدمت کرده هم هستم و داوطلبم که به جبهه بروم و صدام حسین کافر را نابود کنم. من خدمت کرده، سال ۵۷ هستم و در بسیج محله خودم ثبت نام کرده ام و تعلیمات نظامی را هم می دانم."

نظام علی دارابی، کارگر خردسال، درباره جنگ نظرش را چنین بیان می کند:

"باید صدام حسین را سرنگون کنیم و سقش کنیم."

به یکی دیگر از کارگاه های آجرپزی می رویم. این کوره متعلق به مردی جوان، در حدود ۲۶ ساله، به نام شعبان سعادت است. او در کارگاهش تنهاست و به کار مشغول است. صاحب راه ما او آغاز می کنیم:

س: با توجه به حمله رژیم بعثی عراق به کشور ما، نظر شما درباره جنگ چیست؟

ج: "باید از کشورمان دفاع کنیم و صدام حسین هم نمی تواند کاری بکند، چون ما رهبری جون حینی داریم."

س: آیا در بسیج همگانی ثبت نام کرده اند و آیا آموزش نظامی به شما داده اند؟

ج: "روستای ما دور آب است، ولی کارم در اینجا است. در روستای ما همه ثبت نام کرده ایم."

# در معدن همدک کرمان

## عدم ایمنی و حفاظت در کارگاهها، بازهم حادثه آفرید

رسیدگتی به این حادثه گفت: از طرف وزارت کار هنوز رسیدگی نشده، ولی مراتب معمولی زاندارمری و سپاه و یژسکفا سوسی جواز دفن مادر کرده اند. مسئولین امور نیز گفته اند که نمیتوانند هیچ کمکی بمن بکنند. زیرا من در بیداری پابدانا که مربوط به ذوب آهن است کار می کنم بنا بر این کمک مالی هنگامی بمن تعلق می گیرد که کارم را ترک کنم. این سانحه نمونه حوادث دردناکی است که در اثر سهل انگاری مسئولین در مورد حفاظت و ایمنی کارگاهها اتفاق می افتد و سبب مرگ دردناک و بی سربست شدن خانواده ها می شود.

جنبه دردناک این گونه سوانح در آن است که علیرغم تکرار فاجعه آسای آن، عملاً هیچگونه چاره ای برای جلوگیری از وقوع حوادث مشابه به عمل نیامده است. در این باره، سخن زیاد گفته و هشدار فراوان داده ایم و ناگزیر از تاکید و تکراریم که باید با کنترل موثر و همه جانبه مسئولین وزارت کار، همه کارگاهها و واحدهای تولیدی از جهت ضوابط و تجهیزات ایمنی از هر باره تجهیز شوند. باید کارگران آموزش لازم را بمنظور کاربرد صحیح این وسایل فراگیرند و به ضرورت استفاده از آنها را از مادر همین کار کاملاً یقین حاصل کنند. در غیر این صورت از تکرار فاجعه گریزی نیست و می دانیم که حادثه از قبیل خبر نمی کنند، باید آن را از پیشین مبار کرد!

### سئوال

در شماره ۲۵۵ مورخ ۵۹/۵/۲۰ صفحه ۶ (بولتن شماره ۲۱) آن روزنامه مقاله ای تحت عنوان وضع نساجمان در مانگساز ذوب آهن زیر آب بجا رسیده که ضمن تکذیب آن خواهم منداست بر سایر قانون مطبوعات دستور فرمائید به منظور روشن شدن افکار عمومی مطالب زیر درج گردد. نویسنده معترم در مانگساز ذوب

به نام "مردم" به تحقیقات خود در این زمینه ادامه خواهد داد.

شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی پاسخ مقاله "تا مه مردم" تحت عنوان وضع نساجمان در مانگساز ذوب آهن زیر آب" شماره ۲۵۵، مورخ ۵۹/۵/۲۰، نامه ای به شماره ۹۶۳۰ مورخ ۵۹/۸/۳ "مردم" ارسال داشته است، که عیناً در زبردردج میگردد.

این زیر آب با ۵ پرتکسندندانبیژسکد نرسی- ماسا- ۸ پرتکسکار- ۵ بهار و سه تکمک بهیا ریطور شبانه روز بطور نوبت مشغول انجام وظیفه می باشند و یکی از بهترین و مهمترین در مانگساز منطقه سوادکوه به شمار می رود. ضمناً اگر مواقع ضروری مجانساً بیماران منطقه را می پذیرد و روح همین انسان دوستی آنهاست که تعدادی از آنها تقاضای، خواهد داد.

شرکت در خط اول جنبه جنگ با مزدوران عراقی را نموده اند در خاتمه آن برادر که اظهار رضایت کرده بودند دعوت می شود به این شرکت مراجعت تا چنانچه تواقصی هم وجود دارد بسطرف نشانم.

شرکت زغال سنگ البرز مرکزی

### په نامه "مردم"

پاسخ می دهند:

شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی پاسخ مقاله "تا مه مردم" تحت عنوان وضع نساجمان در مانگساز ذوب آهن زیر آب" شماره ۲۵۵، مورخ ۵۹/۵/۲۰، نامه ای به شماره ۹۶۳۰ مورخ ۵۹/۸/۳ "مردم" ارسال داشته است، که عیناً در زبردردج میگردد.

ولی هنوز آموزش نظامی ندیده ایم. س: رژیم بعثی عراق، که جرئت حمله به پادگان های ما را ندارد، به مناطق مسکونی و مدارس و بیمارستان ها حمله کرده و آنها را بمباران می کند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: "چون نیروی دفاعی ما قوی است، آنها نمی توانند با آن مبارزه کنند و به بیمارستان ها و بیمارستان ها، که غیر مسلحند، حمله می کنند و کودکان را می کشند."

س: بعث عراق، که شکست خود را نزدیک می بیند، پیشنهاد آتش س داده است. نظر شما چیست؟

ج: "ما نباید آتش بس را بپذیریم. همه ملت ایران را باید بکشند. بعد بیایند کشور ما را بگیرند."

س: وضع ککمرسانی در روستای دور آب چگونه است؟

ج: "هرکی داشت به اندازه خودش کک کرد و به جبهه فرستادیم."

س: در مورد گرانی چه نظری دارید؟

ج: "این سرمایه دارها هستند که هم چیز را انبار می کنند و این گرانی ها را در کشور آنها بوجود آورده اند."

س: شما در حال حاضر چه انتظاراتی از دولت دارید؟

ج: "ما از دولت در این شرایط که جنگ است، هیچگونه انتظاری نداریم. کشور ما وضعی روبروه شود و در جنگ انشاء الله پیروز شویم، بعد از این مشکلات را درست کنند."

... و کارگران آماده دفاع و مقاله، مصمانه ما دشمنانند.

در این میان، روز پنجشنبه ۵۹/۸/۱، هنوز آفتاب غروب، گرمای اندکی بر چهره های هزاران زحمتکش چشم انتظار در اندای خبیان نگا می تابید که تابوت کارگر شهید "مصطفی رضائی"، که در خونین شهر بمشاهدات رسید، وارد شهر شد.

تابوت، که با گل های سرخ آذین شده بود، پس از لحظه ای روی دستها و شانه های حلق به حرکت درآید. پیر و جوان با هل هل و اشتیاق راباد الوصفی، در حالی که می دویدند، سعی داشتند حتی نوک انگشتان شان را هم ندهد به تابوت برسانند و بدین وسیله با او عهد و پیمان بستند. مادر پیرش و زن و فرزندش برای عزیز گلگون کفن خود فریاد می زدند.

گوشی از شهر نگا در شمال، تا سگرهای خوزستان خویش در جنوب، این فریادها پیوار می کنند.

مصطفی کارگر کارخانه ایران ناسیونال بود و از کارخانه به حربه رفت. آری! طبقه کارگر در بساییش حلقی رزمده، ما در سگرهای "حوسین شهر" و در همه شهر- ها و مزرهای به خون آغشته، ایران، همراه ما همه نیروهای انقلاب، قهرمانان می رومد.

## دهقانان ابراهیم آباد بزرگ نیز، به سهم خود، بر پیکر امپریالیسم امریکاورژیم صدام خائن ضربه میزنند

از پائین خیابان مشهد به طرف جاده سرخس، در انتهای محلی بنام مهرآباد، دهی واقع است که ابراهیم آباد بزرگ نام دارد. این روستا در حدود ۶۶ خانوار جمعیت دارد. دهقانان زحمتکش این روستا، همگی یکدل و یکصدا اعلام داشته اند که برای مبارزه با رژیم متجاوز و جنایتکار صدام آمریکائی، که جنگ تحمیلی را بنا به خواست امپریالیسم آمریکا با ما شروع کرده است، اصال پائیز زمینهای زبانی را کشت خواهند کرد، تا آنها نیز به سهم خود ضربه ای بر پیکر امپریالیسم خونخوار آمریکا و رژیم صدام خائن زده باشند. قابل توجه است که دهقانان این روستا برای اعلام همتی با برادران خود، که در جبهه جگ با متجاوزان صدام، میزنند و برای تقویت رزمندگان جبهه، مبلغ ۴۰۰۰۰ ریال به همتاد کمک رسائی به مناطق جنگزده، مستقر در جبهه سازندگی مشهد، تقدیم کرده اند. حال که دهقانان زحمتکش و جان بر کف میهنان آمادگی بر دین خود را برای شرکت در تمام جبهه های نبرد علیه تجاوزگران صدامی اعلام می کنند، بر عهدۀ مسئولین امر است که به مشکلات این روستائیان رسیدگی جدی و فوری کنند. همچنین ضروری است که جهت اعزام این زحمت کشان به جبهه نبرد و سازماندهی و تجهیز آنان هزینه سریشتر اقدام کرد.

## دهقانان زحمتکش کندر حاضرند در تمام صحنه های نبرد علیه شیطان بزرگ و نوکرش صدام جنایتکار بوزمند

روستای کندر، دهی است در ۶۰ کیلومتری غرب کاشمر، واقع در کناره کویر. این روستا دارای جمعیت زیادی است (بیش از ۴۰۰۰ نفر). اهالی روستا همزمان با جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام علیه میهن انقلابی ما، تاکنون در چند مورد آمادگی خود را برای سرکوب دشمن اعلام داشته اند. از جمله دهقانان زحمتکش این روستا تاکنون مقدار قابل توجهی پول جمع آوری و به ستاد کمک رسائی مناطق جنگ زده واقع در کاشمر تقدیم کرده اند. بعلاوه، دهقانان شریف روستای کندر بطی نامهای کمیته انقلاب بخش خلیلآباد کاشمر، آمادگی خود را برای اعزام به جبهه جنگ اعلام کرده اند. در این نامه آمده است: "کمیته محترم انقلاب اسلامی بخش خلیلآباد کاشمر احتراماً ما اینجانبان امضاء کنندگان ذیل، آمادگی خود را جهت بسیج و اعزام به نوار مرزی کشور اعلام مینماییم. خواهشمند است نسبت به این موضوع موافقت شود، تا بتوانیم با هم در کنار برادران پاسدار و سرباز خودبا دشمنان اسلام و انقلاب به سرکردگی شیطان بزرگ و نوکرش صدام حسین خائن جنگیم. در پایان تقاضا میشود یک مرسلی جهت آموزش نظامی داوطلبان غرب کشور به این محل اعزام فرمائید. با تقدیم احترامات شایسته."

در زیر نامه امضای بیش از ۵۰ نفر از دهقانان زحمتکش این روستا دیده میشود. مضمون این نامه یکبار دیگر فداکاری و از جان گذشتگی دهقانان میهنان و از جمله دهقانان زحمتکش روستای کندر را نشان میدهد. میهنان زحمتکش روستای کندر که از میهن انقلابی خود در برابر رژیم متجاوز و جنایتکار صدام دفاع کنند. لازم است که مسئولین امر جهت آموزش و سازماندهی این ارتش عظیم زحمتکش روستا هر چه سریعتر عمل کنند. با قطع بد کامل بزرگ مالکی، جبهه و پشت جبهه انقلاب را تقویت کنیم. با اجرایی قانون و زمیندار کردن کلیه دهقانان تهیدست به همه زحمتکشان امکان دهمیم که در جهاد کثرت و رزنی شرکت فعال داشته باشند و محصول هر چه بیشتری برای کشور و انقلابی که آنها قطره قطره خون خود را هم در راه آن میدهند، بدست آورند.



صفر شالی  
دهقان توده ای  
۱۲۹۶-۱۲۹۹

## درگذشت صفر شالی، دهقان مبارز

رفیق ما، دهقان مبارز، صفر شالی، که دهقانان تروین، بیژره در "چوبین دور" یاد او را فراموش نخواهند کرد، چشم از جهان فرو بست. این دهقان حق طلب ۲۵ سال مادقانه و فداکارانه در صفوف حزب توده ایران باخاطر استقلال، آزادی و بهروزی دهقانان زحمتکش مبارزه کرد. وی با طر مبارزه علیه شاه ملعون و دفاع از دهقانان، یکبار در سال ۱۳۲۷ دستگیر شد و ۷ ماه اسیر نوکتران امپریالیسم

بود و بار دیگر، پس از کودتای ۲۸ مرداد، بمدت یکسال در زندان دزخیمان شاه ملعون اسیر شد و زیر فشار و شکنجه قرار گرفت. صفر شالی، دهقان تشویدانی، همواره به حزب خویش و آرمانهای زحمتکشان وفادار بود و علیه رژیم سلطنتی شاه سفاک و عمال صیونیسم و امپریالیسم امریکا مبارزه میکرد. وی در سال ۵۶ نقش فعالی در سازمان دادن اعتصاب کارگران کشتا ورزی ساغات چوبین دور، وابسته به سازمان عمران تروین، ایفا کرد و با تجربه و پایداری خود توانست بهشابه جزئی از سبیل خروشان خلق زحمتکش در نبرد نهائی برای برچیدن طومار حیات رژیم مزدور شاه، سهم شایسته یک تشویدان را ادا کند.

صفر شالی در فعالیتهای حزب پس از فعالیت علمی و قانونی دوباره آن طی بیست ماه اخس، شرکت موثر داشت و سناسه یک توده ای با ایمان، صدیق و انقلابی، در بس دهقانان روستاهای تروین معروف بود. مانیز، همراه دوستان و آشنایان و خانواده رفیق فقید، یادش را گرامی میداریم.

## مشارکت آگاهانه جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در دفاع از مردم و دهقانان

رامون به انقلاب می- دانند و فتودالها را کثا ورزان میخوانند و با طرح انقلابی برادر صافهانی مخالفت می- کنند. مگر نشنیدند که امام در پیام خویشی، که به مجلس شورای اسلامی فرستاده بود، چنین فرمود: "مجلس باید در اس همه کارهایش، رسیدن به وضع مستعلمان را قرار دهد" (بند ۲ پیام امام خمینی) و امام بود که فریاد برآورد که بروید در روستاها و تبلیغ کنید که ما نه طرفدار سرمایه دار هستیم و نه طرفدار فتودال". و امام بود که در دیدار با دانشجویان اقتصاد

در روستاها، پس از انقلاب و مدافع حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و گروهی انحصار طلب ظاهر ساز، سپاه پاسداران لاهیجان قاطعانه جانب مردم و دهقانان را گرفت. در این جریان، که توسطهای علیه سپاه پاسداران در شرف تکوین بود، جهاد سازندگی لاهیجان- این نهاد دیگر انقلابی- مصمانه به دفاع از سپاه برخاست. در اعلامیه ای که جهاد سازندگی لاهیجان در دفاع از سپاه پاسداران انتشار داده، منجمله چنین می خوانیم: "سپاه پاسداران لاهیجان، که یکی از نهادهای جوشیده از متن توده های این منطقه است، برای تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی و رشد همه استعداد های انسانی، مبارزه با سرمایه داران بزرگ و صادره زمین فتودالها و اموال مزدور- ان انقلاب را در صدر برنامه های خود قرار داد و چه خوب تا این لحظه مابین تمهیدگشتی خود پای بند بوده و هست. همین انحصار طلبان هستند که سرمایه داران

## گذری به روستا

در روستای سرچشمه در استان فارس، اراضی وسیعی که متعلق به خسرو قشقاچی است، هنوز میان دهقانان بی زمین و کبزی آن روستا و مناطق اطراف تقسیم نشده است. به گفته یکی از دهقانان، این زمینها ۱۴-۱۵ سال است که کشت نشده است. دهقانان زحمتکش این روستا خواهان واگذاری این اراضی هستند. آب زراعی این روستا از رودخانه ای واقع در منطقه قیر و کارزین نزدیک شهرک امام خمینی فارس تامین میشود. در شرایط نیاز مبرم کشور به تولید هر چه بیشتر، باید این زمینها واگذار و کشت شود. دهقانان تهیدست و عتایر محروم، خواهاتار مبارزه جدی با بزرگسالکی و استثمار شیرمای هستند. در این لحظات احساس باید با دقت کافی و با شناخت دقیق از مسائل عتایر و دهقانان تهیدست، به حل مسئله ارضی پرداخت و اجازه نداد که بساط خائنانه و بزرگسالکی اجا شود. در مقابل با امپریالیسم امریکا و توتله های نظامی و اقتصادی آن، این امر ضرورت حیاتی دارد.

**گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد**

تا نیا: محض آنکه مافع جیب و کبه به خطر نیافتد، سخنان شیرین و نکلین درباره "وطن" فراموش میشود و رجال بورژوازی هر یک از گوشه های فرامیروند، بحکم: "توان مرد به سختی که من اینجا زادم!"

دیروز ما در جریان انقلاب شکوهمند دیدیم که چگونه "میهن دوستان" همراه چندان های انباشته از دلار، راهی سرزمین موهوم شدند. شرکت برخی از آنها در انقلاب، از تعطیل مغازه ها (و ادامه) کسب و کار از طرق دیگر) بالاتر نبود. امروز در خوزستان می بینیم که چه کسانی در مقابل متجاوز جنایتکاران صدامی سینه سپر کرده اند و چه کسانی گوشه های امن میهن را برگوشه های آشفته، آن خرچ می نهند. به قول امام خمینی، این انقلاب را و این جنگ را "کوچ نشینان" می کنند، نه "کاخ نشینان". ولی آنها، بهنگام ادما، بهنگام لجن پراکنی و ستم کردن دیگران، زبانی دراز و بوزه ای بزرگ دارند. باز هم به قول امام خمینی: بروید و گورستان شهیدان را ببینید و ببینید کدام شهیدان خونین کفتی در زیر خاک سپاه خفته اند. بورژوازی که خود را "مالک" این انقلاب جلوه میدهد، سهمی از خون و جان در آن ندارد. با آنکه طبقات حاکمه برای زحمتکشان محروم از همه چیز، وطنی باقی نگذاشته اند. با اینهمه، همین محرومان هستند که منجی واقعی وطن از اسارتگران بیگانه و غارتگران خودی هستند، آنها هستند که سرانجام وطن را بخوطن واقعی اکثریت مطلق آفریننده و مولد بدل خواهند کرد. این روندی است که اکنون در انقلاب ما جریان دارد و امید است به سرانجام حقیقی خود برسد.

این بحث تفاوت ماهوی دو مفهوم را، که متعدا از طرف بورژوازی خلط میشود، نشان داد. بنظر ما، در این محت مابین مارکسیست های اصیل و مسلمانان متعهد و انقلابی اختلافی نیست و نباید باشد. امام خمینی در حالیکه از

مادر قرن ۱۸ و ۱۹ زندگی نمی کنیم، مادر پایان سده بیستم زندگی می کنیم. انقلاب ایران، اگر در جاده، بی گیری و بیادگرانی حلور و جلوتر برود، این مفاهیم را از یکدیگر باصطلاح "بمدال مشرقی" جدائی کند و دست رده سینه ملی گرایان و لیبرال های گذارد. میهن دوستان صدیق و دمکرات های انقلابی را، که خادمان جاساز و آگاه خلقتند بر می کشد و راه جامعه ما را به سوی شیخ های تابناک آینده می کشاید. یکی از وظایف روز در بسط و تشویق میهن دوستی و در مبارزه و افشای ملی گرایی، در بسط و تشویق دمکراتیسم و در مبارزه موافق امپریالیسم است

## ملی گرایی

آیا برای ما پرتلاریای آگاه روس احساس غرور ملی احساسی غریبه و بیگانه است؟ البته که نه! ما زبان خود را و میهن خود را دوست داریم و بیش از هر کس در تلاشیم تا زحمتکشان (یعنی نهم اهالی روسیه) تا سطح زندگی آگاهانه دمکراتیک و سوسیالیستی ارتقا یابند.

چنین تصریحاتی از طرف سخنگویان حزب ما نبره کرات و مراتب شده و میشود و در برنامه حزب ما به تاکید گت شده است که حزب توده ایران حری است که میهن خود، کشور باستانی ایران را متحد و سر بلند، مستقل و آزاد و آباد می خواهد و ارتعامت ارضی و حق حاکمیت کشور دفاع می کند و مخالف هرگونه واسنگی و تجزیه کشور است. حزب توده ایران با عمل طولانی و سرشار از ایثار خود این اعتقاد را سخ را بنصه ظهور و اشات گذارده و تشها جاملان و مسططم گران سیو عدان میتوانند آنها انکار کنند یا سودیاه و تمعدانه مورد تردید قرار دهند. اصولا بیئت و راه و روش حزب توده ایران که مطوف رهاندن توده های مردم ایران از بند های ابار و فتودالی و سرمایه داری و رساندن آنها به مرزهای فرهنگ و ترقی است، نمیتواند عیقا میهن دوستانه نباشد. حزب توده ایران کدام شمار و هد می را مطرح کرده است که در آن سهایت اعتلا و ترقی کشور ما ملحوظ شده باشد؟ در حالیکه توده های زحمتکش، حتی در دورای که خود در قدرت هستند و تحت سطره و ستم قرار دارند، نخستین مدافعان استقلال میهنند. بورژوازی باحسبگری تاجرانه عمل می کند. اولاً: کمتر دیده شده که بورژوازی، با همه فریادهای آسمان شکافش درباره وطن و استقلال، در نبردهای انقلابی و جنگهای استقلال طلبانه، تن به ایثار و شهادت بدهد،

# تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی، راه را برای تشکیل جبهه متحد خلق هموار خواهد کرد

بگذاریم - مقداری از آن کاری که کرده‌ایم ، ( روی کلمه " مقداری " تکیه می‌کنم ) ، ترشح در روزنامه و نشریات ما آمده است و مقداری هم منتشر نشده است . ولی ما توجه به همان مقداری هم که منتشر شده است ، می‌دانیم که بیش از یکسال پیش ، در خردادماه سال ۱۳۵۸ ، برای نخستین بار اعلام کردیم که عراق در صدد حمله به ایران است و ما اطلاعات دقیقی همان تاریخ در اختیار مقامات عالیه ایران گذاشتیم .

همان‌طوری که می‌دانیم یکی از هدف‌های امپریالیسم این بوده است که اگر نتواند با اقدامات خود در داخل ایران به هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برسد ، یک تجاوز خارجی ترتیب بدهد . این تجاوز خارجی به سه شکل می‌توانست باشد : یکی به شکل تجاوز کشوری مثل عراق که برای اجرای این تجاوز خارجی آماده بود ، یکی دیگر به شکل پیاده کردن نیروهای ارتجاعی ضد انقلاب که از مدتی پیش در خارج تربیت شده‌اند و یکی هم به صورت حمله و تجاوز مستقیم آمریکا .

برای هر سه این تجاوزات از طرف آمریکا تدارک دیده شده و امروز هم آن دو شکل دیگرش ، جزو برنامه عملی امپریالیسم آمریکاست . یعنی هم نقشه‌ها در گردن نیروهای ضد انقلاب از خارج به خاک ایران هنوز در دستور روز باقی است و هم این نقشه که در آخرین مرحله ، اگر همه این‌ها شکست روبرو شد ، دخالت نظامی مستقیم آمریکا در جنوب ایران انجام گیرد ، ما نقشه تجاوز عراقی را همیشه به عنوان جزئی از نقشه عمومی امپریالیسم آمریکا برای حمله به ایران و سرکوب کردن جمهوری اسلامی ایران ارزیابی کرده‌ایم . بیش از سه ماه پیش ما در صفحه " اول نامه " مردم " هشدار دادیم که یک حمله عمومی از هوا و زمین و دریا علیه جمهوری اسلامی ایران در شرف تکوین است . غیر این هشدار را ما طی نامه‌ای به مقامات حاکمه و ره‌رئیس جمهور و به سایر مقامات مسئول دادیم و بعد از آن هم اطلاعاتی پیدا کردیم که این حمله قرار بوده است در اواخر شهریور ماه ( اول در وسط شهریور ماه بود و بعد به ۲۳ شهریور ماه موکول شد ) انجام گیرد . البته ما باید بگوئیم که اطلاع ما این نبوده است که حمله مینا به صورت کنونی اثر ، با ارتش عراق انجام خواهد شد . اطلاع ما بطور کلی این بوده است که حمله از هوا و زمین و دریا به ایران از طرف نیروهای وابسته به ضد انقلاب جهانی و ضد انقلاب ایران ، حتما صورت خواهد گرفت .

همین ترتیب تجاوز عراق جزئی از نقشه آمریکا بوده و هست که با حساب روی این که شاید به هدف‌های تعیین شده برسد ، انجام گرفته است . در هفته‌های قبل از این تجاوز و بلافاصله بعد از آغاز تجاوز ملاقات‌های خیلی سری و حدی بین نیروهای ضد انقلاب ایران در بغداد ، مصر و سایر نقاط گرفته که همه حول این محور دور می‌زده‌اند که به محض اینکه ارتش عراق توانست قسمتی از خاک خوزستان و کردستان را اشغال کند ، این تکه‌ها را به هم وصل کند و در آن یک دولت به اصطلاح " ایران آزاد " برهیزی اختیار یا اوبسی و غیره و همکاری همه نیروهای فراری ضد انقلاب تشکیل شود و بعد از آن دولت از طرف عراق ، مصر و بعضی از کشورهای دیگر به " رسمیت " شناخته شود و بلافاصله هم آمریکا آن را بشناسد و آن وقت این دولت به حساب خودشان شروع کند به " تسخیر " بقیه سرزمین ایران ما . البته آن‌ها این را هم حساب کرده‌اند که شاید نتوانند به این زودی بقیه ایران را " تسخیر " کنند ، ولی خوب امیدشان این بود که با اشغال خوزستان و بریدن تمام مناطق نفت خیز ایران ، دولت ایران را در یک تنگنای " غیرقابل تحمل " قرار دهند . امید آن‌ها این بود که بعد از تکمیل قسمت اول این نقشه ، به کمک مرتجعیتی که در قسمت بلوچستان و فارس هم موضع دارند و نیروهای که حج کرده‌اند ، به کمک این نیروها که مادر باره " آنها اطلاعات نسبتا قابل توجهی به دست آورده‌ایم ، تمام قسمت جنوبی ایران را جدا کنند . البته در چنین شرایطی بستن راه بازرگان ، از طریق ارتباط با ترکیه هم ، دیگر برای ارتجاع به خیال خودشان ، کار آب خوردن می‌توانست باشد تا بدین وسیله ایران را در حلقه یک محاصره مطلق قرار دهند .

نقشه عراق و مصر و آمریکا این بود که پس از " استقرار " دولت آقای بحنبار در جنوب ایران ، نیروهای ارتجاعی متشکل از افسران فراری و دیگر عناصر سرسپرده و ساواکی و غیره را به آنجا بیاورند و به تدریج که وضع آنجا " مستحکم " شد ، نیروهای عراق عقب نشینی کنند و فقط طبق تعهد بختیار ، آن قسمت‌هایی را که عراق از ایران می‌خواهد ، به آن بدهد . این تعهد متقابل بختیار و اوبسی با عراق است و همان بلندی‌هایی را که عراق مدعی آن بوده به اضافه قسمتی از شمال خرمشهر را ، شامل می‌شود .

اینجا بود نقشه عراق - آمریکا و تمام ارتجاع منطقه بعضی اسرائیل و مصر و عربستان سعودی . با مقاومت تاریخی در حاشای قهرمانانه مردم ایران ، به ویژه در خرمشهر و آبادان ، نقشه برای عقب مانده است ، چون اولین هدف آنها عبارت بود از اشغال سریع خرمشهر ، آبادان و سایر شهر و جدا کردن منطقه نفتی و سپس گرفتن درفول و اهواز و قطع لوله‌های نفت . نقشه آنها برای دسترسی سریع به این هدف‌ها با عدم موفقیت روبرو شده است . حساب آنها روی عکس‌العمل نیروهای هوایی و دریایی ایران ، به کلی غلط از کار درآمد ، حساب عراق - آمریکا روی این که نتوانند

حمله نوبتی " پرسش و پاسخ " در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۵۹ تشکیل شد . رفیق نورالدین کیانوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های طرح شده در این جلسه پاسخ گفتند . بخشی از این " پرسش و پاسخ " در شماره امروز نامه " مردم " درج می‌گردد و البته آن در شماره آینده به چاپ خواهد رسید .

س : در مورد مقاله‌ای که در شماره ۸۰ روزنامه " کار " درج شده بود ، در جلسه ۱۲ مهرماه ۱۳۵۹ " پرسش و پاسخ " توضیحاتی داده شد . با آن که برخورد این روزنامه به مسائل مطرح شده خیلی بیجا گمانه‌نمایی کرد ، نظر شما در باره آن چیست ؟

ج : ما به سازمان چریک‌های فدایی خلق ( البته به بحث اکثریت آن ) ، برخوردی حدی داریم . گروه‌هایی از این جریان جدا شده‌اند ، مثل گروه شرف دهقانی که الان عملا با ضد انقلاب همکاری می‌کند ، با گروه " اقلیت " که در موضع به کلی کج و معوجی قرار گرفته با گروه " اکثریت " که ما نظرم را در گذشته به طور مصلح در باره آنها بیان کرده‌ایم . من نوحیم به این گروه " اکثریت " است همان‌طوری که قبلا گفته‌ام ، ما از تصحیح‌های مثنی که این گروه اخیرا در موضع گیری‌های سیاسی اش انجام داده است ، حرسندیم و امیدواریم که این گرایش به تصحیح اشتباهات عمیق تر و دلسوزانه در نشود تا بالاخره به نتایج مثبت نری از لحاظ ایجاد وحدت در داخل صفوف نیروهای راستین هوادار سوسیالیسم علمی ، هوادار رابطی که در جامعه ایران ، بسیار دارد . من در صحبت‌های قبلی هم گفته‌ام که ما به این مسئله هیچ وجه نباید بطور بیجا گمانه‌نمایی کرد . ما همین مسئله خیلی حدی برخورد می‌کنیم و هیچ وقت هم مسئله را به این صورت مطرح نکردیم که آقایان باشند ، یکی یکی تا نباشید عضو حزب توده ایران نباشید ! در صحبت جلسه ۱۲ مهر ، مقصود من بطور کلی این بود که باید در جهت ایجاد وحدت در حشر راستین هوادار راه طبقه کارگر ایران قدم‌های حدی و عملی برداشته شود . برای تحقق این وحدت نیروهای که خواستار آن هستند ، باید با هم بنشینند و با هم بگردد حل صحیح پیدا کنند . رسیدن به این راه حل هم لازم است که یک روز و یک ساعت باشد ، می‌تواند مراحل مختلفی داشته باشد ، نسبت مرحله ، همکاری در سازجام و سپس مرحله نفیوت این همکاری ، تا سرانجام به وحدت برسد . برای وحدت هم ما اشکال مختلف داریم ، در دنیا نمونه‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که می‌توانیم و باید همه آنها را مطالعه کنیم تا بالاخره به وحدت ایدئولوژیک ، و نه سازمانی حزب طبقه کارگر ، در تمام بخش‌های که خودشان را پیرو این راه می‌دانند ، برسیم . این نظر ما بوده و هست و امیدوار هستیم که سازمان چریک‌های فدایی خلق " اکثریت " نیز همان قدر حدی و اصولی به این مسئله برخورد کند که ما می‌کنیم . البته ما کاملا برای این قابل مهم است که در داخل سازمان چریک‌های فدایی خلق ، حتی در این بخش " اکثریت " هم ، هنوز آن هماهنگی و یگانگی ایدئولوژیک و فکری و سازمانی که در حزب ما وجود دارد ، وجود ندارد . هنوز هم در آنجا جناح‌های مختلف و گروه‌های مختلفی هستند که می‌توانند هم نظریات خودشان را اعمال کنند و هم آن‌ها را در روزنامه بیاورند . گاهی اوقات ممکن است که این نظر همه نباشد و هر یک نظر شاخه خودش را تبلیغ کند . ما به این امر توجه داریم و به همین جهت هم عکس‌العمل ما در قبال این گونه گرایش‌های نادرست ، عکس‌العمل مصاصی و احساناتی نیست . بعضی وقت‌ها ما تصمیم گاهی اوقات با تعجب به آن می‌نگریم . ما رویدی را که الان در سازمان چریک‌های فدایی خلق موجود آمده است ، به طور کلی نتوانیم می‌کنیم و امیدوار هستیم که این روند روز بروز بهتر تکامل یابد . البته ما در سازمان چریک‌های فدایی خلق " اکثریت " ، هنوز هم شاهد نقاب‌های یک جریان منعی ضد توده‌ای شدید هستیم که از خیلی جهات شبیه همان مواضع گروه " اقلیت " و گروه‌های دیگری است که از آن جدا شده‌اند و افرادی را از این نوع می‌شناسیم . ولی امیدواریم که این گرایش‌ها به کلی نادرست در سازمان چریک‌های فدایی خلق " اکثریت " تصحیح شود و گرایش‌های درست ، گرایش‌هایی که در جهت تصحیح کامل سبادی و ریشه‌های اشتباهات گذشته است ، تقویت شود . این مسلما به سود انقلاب مینا و به سود مبارزه طبقه کارگر کشورمان برای اعمال نقش عمده رهبری آن در مجموعه جنبش انقلابی خواهد بود .

س : حزب توده ایران از مدت‌ها پیش نقش امپریالیسم را در خوزستان افشا کرده و گفته است که امپریالیسم و ارتجاع و ضد انقلاب می‌خواهند آن استان را تسخیر کنند و حکومت " ایران آزاد " در آنجا تشکیل دهند . آیا به نظر شما حمله عراق به خوزستان برای اجرای همین نقشه نیست ؟

ج : در مورد حمله عراق به خوزستان و ارتباط آن با نقشه ضد انقلاب و امپریالیسم برای سرنگونی کردن جمهوری اسلامی ایران ، باید بگوئیم که حزب ما مدت‌ها پیش از هر سروری سیاسی دیگر توانست این نقشه امپریالیسم را دریابد و با برخورد علمی به ماهیت امپریالیسم آن را افشا کند . حزب ما موفق شد اطلاعات دقیقی در این زمینه به دست بیاورد و در اختیار مقامات حاکمیت جمهوری اسلامی قرار بدهد . ما این چنین از فعالیت‌های خود برای حفظ و دفاع از جمهوری اسلامی و از دستاوردهای انقلاب را ، می‌توانیم هر لحظه که لازم باشد ، با سرلندی تمام در معرض افکار عمومی



**جلوگیری نماینده روزنامه کیهان از فروش نامه «مردم»**

بر اساس اطلاع وی در پاسخ رسیده مسئولین شما بنده روزنامه کیهان در کیهان گفت : نامه شهر رشت از ما همان مردم قانونی است و کیهان‌های روزنامه شما نمی‌توانند فروش خواسته‌اند جلو ما را بگیرند . که از فروش اکثر آنها را باند کیهان روزنامه " نامه فروخته‌شود پس مردم " خودداری باید دولستان از تهران جلو چاب خودداری کنند . مسئولین آن را بگیرد . وقتی ما ضمن اعتراض روزنامه کیهان به رسماً چاپ قانونی به این عمل غیر همین منظور چند منتشر می‌شود باید قانونی ، و مدخله پیش ما همان کیهان فروخته‌شود . ما هم در مورقفاشی از ها راه دفتر از این راه در آمدی مسئولین شهری روزنامه کیهان عایدان می‌شود . کیهان می‌خواهیم دعوت کردید و ضمن نما جکود جنبش که دست از تحریرت یک سخنرانی از نفاصایی از ما و توطئه بردارند و آنها خواستند تا دارند ؟ با توجه به شرایط " نامه مردم " به جهت پس از ویژه کشور از را نفروشد . این پایان این کرد و موجود آوردن مسئله مورد اعتراض همایی و ما توجه به درگیری خودداری یکی از ما حسان اینکند و رندگان کنند . کیهان واقع شد و کیهان ناساقت

# ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی در عرصه توزیع تنهاراه مقابل باگرانی و احتکار است

تصویب اصل طرح ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نوید امیدبخشی بود، تا دست سرمایه داران وابسته از عرصه پر سود بازرگانی خارجی کوتاه شود، دولت خود این رشته مهم اقتصاد کشور را که با زندگی میلیونها مصرف کننده پیوند دارد، در دست گیرد و بار غارت و سودجویی این قشر طفیلی را از دوش مردم بردارد.

متأسفانه این اختراع امید در دل مشتاقان بیرونی به محض گرانید، زیرا این اصل مهم از قانون اساسی ماها مسکوت ماند و سپس لایحه قانونی مراکز تهیه و توزیع کالاهای اساسی وزارت بازرگانی تصویب شد، که هیچ دودی را در زمان نکرده است، زیرا این لایحه قانونی، در راستای ملی کردن بازرگانی خارجی نیست، بلکه در واقع ملی کردن ۳۰ درصد از کالاهای وارداتی است و ۷۰ درصد بقیه را همچنان در دست سرمایه داران و بازرگانان بزرگ باقی میگذارد. علاوه بر آنکه تنها پنج شش قلم کالاهای اساسی را که در عرصه توزیع قرار گرفته و واردات صدها قلم کالای دیگر که اکنون در دست بازرگانان عمده است، که از این راه ثروتهای خود را در دوران انقلاب چندین و چند برابر کرده اند.

محاصره اقتصادی کشور ما از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش و سپس جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران، بازار چپاول سرمایه داران وابسته را پر رونقتر کرد و امپ توپیک یافتند که با در دست داشتن نسب بازار، کالا وارد کنند و کالا اخذ کنند، و بدینسان هم تورم کشورهای امپریالیستی را به کشور ما انتقل دهند و هم با احتکار کالا و کمبود مسوومی، قیاس را به مرزهای بازرگانی برسانند و در چپاول دسترنج زحمتکشان یکشنبه به صدمه ساله بیمایند.

یکه تری بازرگانان بزرگ وابسته در عرصه واردات و توزیع کالا، کز را بجائی رسانده است که بدون اتراق بهای کالاهای مورد نیاز مردم امروز از دیروز گرانتر و فردا از امروز گرانتر است. مردمی که سال گذشته برنج را بر حسب جیس، کیلویی ۵۰ تا ۱۱۰ ریال می خریدند، امسال باید همان برنج را

کیلویی ۱۵۰ تا ۲۴۰ ریال بخرند. گوشت، که سال گذشته کیلویی ۲۵ تومان بود، امسال به کیلویی ۴۵ تومان به نرخ دولتی و ۶۰-۷۰ تومان به نرخ غیررسمی رسیده است. تازه همین گوشت کیلویی ۴۵ تومان هم، که جز مشت چربی و استخوان و رگ و ریشه نیست، به آسانی به دست مردم نمیرسد، علاوه بر آنکه، درآمد روزانه بخش عظیمی از مردم فراتر از تکفوی خرید گوشت کیلویی ۴۵ تومان را نیده.

سرپرست سازمان جنگلها و مراتع تأیید کرده است که زغال چوب، که برای بخش خصوصی تنی ۲۳۰۰ تومان تمام میشود، به بهای ۶۰۰۰ تومان به دست مصرف کننده میرسد. و این در شرایطی است که کشور، به علت شرایط ویژه جنگ، از نظر مواد سوختی گشاده دست نیست و زغال تولیدی باید با بهای مناسب در دسترس خانوادهاای کم درآمد قرار گیرد و کلبه سردشان را گرم کند.

با آغاز فصل سرما، نه تنها تولید کنندگان زغال در صدد سوعاستفاده و انباشتن جیب خود برآمدند، بلکه وارد کنندگان بخاریهای برقی و نفتی و حتی تولید کنندگان پیت های پلاستیکی نفت وبتزین، چون بازار فروش را گرم دیدند، قیمت ها را به فلك رساندند.

اقدام دولت در سهمیه بندی چند قلم کالای مورد نیاز عموم، هر چند پاتخیر انجام شده، ولی اقدامی است مفید و ضروری، که ما پیوسته خواهان اجرای آن بوده ایم. اما باید توجه داشت که: اولاً نمیتوان تمام مایحتاج عمومی را سهمیه بندی کرد و ثانیاً سهمیه بندی امری موقتی و ویژه دوران جنگ است، ولی پس از پایان جنگ، اگر واردات کالا و توزیع داخلی آن در دست دولت نباشد، سرمایه داران و بازرگانان وابسته با شدتی دوچندان به چپاول جیب مردم خواهند پرداخت. اکنون دولت، طبق مقررات زمان

جنگ تصمیم به مجازات احتکار گرفته است. در این باره دوفکته شایان توجه است: اول آنکه این اقدام نمیتوان سکون شاید بتواند تا حدودی کراهت داشته باشد، ولی درمان قطعی نیست، زیرا محور فیزیکی گرانفروشان و محتکران نمی تواند چاره کار باشد.

دوم آنکه، تا آنجا که مردم بخاطر دارند، محتکران عمده، یعنی بزرگان بازرگانان واردکننده، هرگز تاکنون مورد مجازات قرار نگرفته اند. زمانی که کفر گرانفروشان شلاق بود، فقط کبه جزئی، یعنی بقال و عطارد و میوه فروش سرگذر بودند که بجزم گرانفروشی دکانشان تعطیل میشد و به تخت شلاق بسته میشدند. هرگز دیده نشد که یک بازرگان بزرگ، یک محتکر عمده، که عامل اصلی گرانی و کمبود هستند، در محل کسب و کار خود شلاق بخورند و حجره شان تعطیل شود.

اکنون که در شرایط ویژه جنگ، قیمت ها به بلندیهای دست نیافتنی صعود کرده، باید برای مبارزه با گرانی و احتکار، سراغ بازرگانان وابسته رفت و در انبارهای آنها را گشود، که از شیر مرغ تا جن آدم، در آن با یکدیگر میعاد دارند و به امید سودهای کلان تر، آنها را از عرصه به بازار دریغ داشته اند. در مبارزه با احتکار در کوتاه مدت، همچنین باید از نیروی مردم کمک گرفت این نیروی عظیم را تجهیز کرد و سازمان داد، تا محتکران بزرگ را شناسایی کنند و در انبارها را بکشایند.

اما برای مبارزه قطعی و ریشه ای با احتکار و گرانی، باید قدرت اقتصادی را از سرمایه داران وابسته گرفت و به دولت احاله کرد. سلب قدرت اقتصادی از سرمایه داران وابسته، که ضرورت آن از گور مردمی انقلاب ما، مایه می گیرد و در قانون اساسی هم تصریح شده است، تنها با قراردادن امر بازرگانی

خارجی و توزیع داخلی در دست دولت امکان پذیر است. دولت تا تواند بر صنایع، بر کشاورزی و بر بازرگانی قدرت خود را مستقر سازد، هرگز قادر به مبارزه کردن قیمت ها و توزیع نخواهد بود و اقتصاد کشور و معاش مردم، باز بجهت سودطلبی سرمایه داران وابسته باقی خواهد ماند.

ما توانستیم در رشته صنایع، با ملی کردن کارخانه های بزرگ و بانکها و بیمه ها، سرمایه داری وابسته را تضعیف کنیم، ما خواهیم توانست با اجرای اصلاحات ارضی انقلابی، دست زینداران و سرمایه داران بزرگ را از کشاورزی کوتاه کنیم. ما باید همچنین بتوانیم با اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، دست این سوداگران مرگ را از این عرصه نیز کوتاه سازیم.

ملی کردن بازرگانی خارجی، امکان ذاتی فراوانی را در جهت مصالح کشور و بهبود زندگی زحمتکشان در دسترس دولت قرار خواهد داد. دولت، هم خود اقدام کالاهای مورد نیاز کشور را تعیین میکند و در نتیجه از وارد کردن کالاهای غیر ضروری و تجملی اجتناب میورزد. و هم خواهد توانست کالاهای لازم را از کشورهای وارد کند که با مستقیم ترین شرایط و بدون قید و بند سیاسی، آماده برقراری مناسبات بازرگانی با ما هستند. علاوه بر آنکه ملی کردن بازرگانی خارجی به دولت امکان خواهد داد، تا کشور را بسوی صنعتی شدن سوق دهد و از موقعیت يك کشور مصرف کننده کالاهای کشورهای امپریالیستی، خارج سازد.

باید یکبار برای همیشه شعار ارتجاعی بورژوازی را که: «دولت ناچار خوبی نیست» بدور انداخت و محتوی غارتگرانه آنرا نشان داد. زیرا این شعار در گذشته و هم اکنون، فقط و فقط وسیله سلطه بورژوازی سودجوی غارتگر بر اقتصاد کشور ما بزمیان توده های مردم بوده

است. ملی کردن بازرگانی خارجی، که گام مهمی در اقتصاد کشور است، باید با توجه به اصل دیگر قانون اساسی، یعنی ایجاد بخش دولتی و تعاونی در اقتصاد و پیاده کردن آن در بخش بازرگانی توام باشد، تا نتیجه مطلوب عاید گردد. زیرا اگر واردات کالا به دست دولت و توزیع در دست بازرگانان عمده باشد، باز این سوداگران غارتگر، با احتکار کالا، عرضه و تقاضا را در بازار بنفع خود مستوعاً تغییر خواهند داد و در نتیجه قیمت ها نیز در جهت منافع آنها افزایش خواهند یافت.

ایجاد بخش دولتی و تعاونی در بخش بازرگانی باین معناست که توزیع کالا با قیمت های تعیین شده از سوی دولت، بطور عمده میان فروشگاههای دولتی و تعاونی انجام خواهد شد و بخشی از آن نیز به کسب خصوصی تعلق خواهد گرفت. وجود فروشگاههای دولتی، تصوری و عرضه کالا به بهای ثابت دولتی، تضمینی است تا کسب خصوصی نتواند قیمت را بنفع خود بالا ببرد. آنها در عرصه رقابت ناگزیر به فروش کالا به بهای تعیین شده از سوی دولت خواهند بود.

ایجاد فروشگاههای تعاونی نیز، که سهامداران اصلی آن مصرف کنندگان يك منطقه، يك وزارتخانه، يك کارخانه، يك روستا و غیره هستند، واسط میان دولت و مصرف کننده اند و کالا را بدون وجود دستهای واسطه و دلال به خریداران می رسانند. در عرصه تولید داخلی، فروشگاههای تعاونی مستقیماً با تولید کنندگان در ارتباط اند و کالاهای آنها را به قیمت دولتی خریداری میکند و در دسترس مصرف کننده قرار میدهند و بدینسان از اجحاف بخش خصوصی جلوگیری میکند.

تنها در سایه این دو اقدام قطع انقلابی است که دولت قادر خواهد شد، بازرگانی را از چنگال تعدی و غارت سرمایه داران وابسته خارج کند و باز مسکین فانی از وابستگی، محاصره اقتصادی و جنگ را از دوش مصرف کننده بردارد. هر اقدام دیگری از نوع ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا، بند و اندرز به سرمایه داران و بازرگانان بزرگ و دعوت آنان به «انسانیت و انصاف»، هدر دادن فرصت گرانبایی است که در برابر دولت لنگلاب قرار دارد.

## تشکیل جبهه واحد...

بینه از صفحه ۱  
همه نیروهای انقلابی، میهن دوست و آزادیخواه عراق را، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، برای نیل به این هدف آشکارتر ساخت. پیوند نامبارک رژیم جنایتکار صدام با مرتجعترین رژیمهای منطقه، مانند شاه حسین و شاه خالد و شیوخ خلیج فارس و همگامی و همبستگی با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، عراق را به گنوم ضدانقلابی جدیدی درخورد نزدیک و میانه تبدیل کرده است. لذا سرنگون کردن رژیم خونخوار صدام نه تنها بسود خلق برادر عراق، بلکه همچنین بسود همه خلقها و جنبشهای انقلابی منطقه و جهان، و قبل از همه و بیش از همه بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. از همینجاست که پیروزی جبهه واحد ضد دیکتاتوری عراق در سرنگون ساختن رژیم جنایتکار صدام، و بازگرداندن عراق به جبهه ضد امپریالیستی برای مقابله مشترک با امپریالیسم، صهیونیسم و استعمار نوین، پیروزی خلق ما و انقلاب ما نیز هست. تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری در عراق در عین حال یادآور این واقعت برای نیروهای انقلابی میهن ما نیز هست که برای شکست دادن تجاوزگران صدامی، بزانوند آوردن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اتحاد همه نیروهای انقلابی، میهن دوست و آزادیخواه، اتحاد همه نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، نه فقط ممکن است، بلکه ضرورت حیاتی دارد. آری، تشکیل جبهه واحد، ضد دیکتاتوری در عراق هم امید و هم مسئولیت نیروهای انقلابی ایران را، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، در مبارزه برای تشکیل جبهه متحد خلق بخاطر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی اقرون تر میسازد. ما موفقیت برادران عراقی خود را در تشکیل و تحکیم و گسترش جبهه واحد ضد دیکتاتوری و پیشبرد اهداف این جبهه صمیمانه آرزو میسیم.

## شهر سوسنگرد...

زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار داشته است. از سوی دیگر خبرنگار خبرگزاری پارس در اهواز ساعت ۱۰:۱۵ دیروز گزارش داد که در ۵۰ کیلومتری اهواز به سوی مناطق مسکونی این شهر که خساراتی بیار آورده، دلاوران ما نیز به مقابله برخاستند و مواضع دشمن متجاوز را زیر آتش توپخانه خود گرفتند. بر اساس گزارش دیگری، دلاوران اهوانروز در يك عملیات ۶۰ تن از مزدوران صدام را به هلاکت رسانده، ۲ تن را مجروح کرده و ۱۱ عراد توپ، ۳ دستگاه تانک و ۲ چادر مهمات دشمن را نابود ساختند. از سوی دیگر خبرنگار دفتر مرکزی خبر به نقل از مسئول ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوزستان اعلام کرد دیروز گذشته (پنجشنبه) يك فروند میگ متجاوز عراق با یوزش ناجوانردانه به فرودگاه حمیدیه به يك فروند هواپیمای پاری جمهوری اسلامی ایران که جهت تخلیه بار فرود آمده بود، خسارتهایی وارد آورده و متواری شد. بلافاصله پس از این

## یکپار چگی خلق...

بینه از صفحه ۱  
که در آخرین نتیجه، پیروزی و یا شکست نهایی انقلاب را تعیین میکند. ولی بگفته امام خمینی «ملت روشن است»، تم سیاسی توده های میلیونی احساس است، توده های میلیونی خلق - زحمتکشان و مستضعفان منافع خود و کشور خود را بدرستی تشخیص میدهند، دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلاب را امپریالیسم، بسرکردگی امریکای جهانخواه و غدار میدانند، آن اقتضای که طالب سازش با امپریالیسم و وابازگشت امپریالیسم هستند، تا بحساب غارت دسترنج توده های زحمتکش بتوانند فریب و فریب تر شوند. با خوب میشناسند و بنابراین در جبهه داخلی نیز «خوفی» برای انقلاب نیست،

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم**

از زمان اشغال دختۀ ما تاکنون، نامه‌های محبت آمیز و همچنین انتشار بسیاری از سوی خوانندگان نامه مردم رسیده است. از همه این دوستان صمیمانه سپاسگزاریم و تلاش می‌نماییم که از این پس به نامه‌های رسیده در این ستون پاسخ دهیم.

از هم اکنون نیک میدانیم...

«پد. ک» از قوچان، با ارسال نامه‌ای، از جانب خود و تنی چند از رفقایش، اشغال دیرخانه کمیته مرکزی حزب و دفتر نامه مردم را محکوم ساخته است. او از جمله نوشته است:

«ما همگی از اینکه محل دفتر نامه مردم در اشغال عناصر غیر-مستول است، واقعا رنج می‌بریم و متأسفیم. ولی از هم اکنون نیک میدانیم روزی اشغالگران دفتر ما، به این اقدام تسخیمه‌اشان، که به فتح مردم و انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی ما نیست، برخاستند.»

نامه مردم: در این باره، اشغالگران از دیرخانه و دفتر نامه مردم خارج شده‌اند، ولی دیرخانه و دفتر نامه مردم هنوز در اختیار حزب نیستند. از اینکه بگذریم، ما با نظر شما موافقیم و درستی کردار و گفتارمان را نیز در واکنش برانگیخته از جانب دشمنان خوبی انقلاب می‌جویم. اینکه چه کسانی از اشغال دیرخانه و دفتر ما دانش و سرست شدند، پاسخ روشن است: ضدانقلاب، همان کسانی که برای نابودی جمهوری اسلامی دندان می‌سایند و مسلمانان راستین بیرو خط امام خمینی و نیز حزب توده ایران را بعنوان دشمن خود اعلام می‌کنند.

دهقان سالخورده اصفهانی از حزب می‌گوید!

☆ سیامک، متن گفتگوی آموزنده خود را با یک دهقان سالخورده اصفهانی برای ما ارسال داشته‌است. این گفتگو روایت زندگی سراسر رنج و زرم یک انسان تحت‌تسلیم است، که عشق به حزب توده ایران را رنگی نازدودی از سرشت و سرنوشت خود میدانند. بخش کوچکی از این گفتگوی چندصفحه‌ای را در زیر می‌خوانید.

به این پرسش که: فعالیت حزب توده ایران را چگونه می‌بینی؟ دهقان سالخورده اصفهانی چنین پاسخ میدهد:

«... از فعالیت حزب خوشحالم و از ناراحتی حزب ناراحت. من به حزب توده ایران ایمان دارم. اگر بشنوم حزب در جریان فعالیت سیاسی صدمه دیده، ناراحتم، و اگر دیدم خوب پیشرفت میکند، عینا خوشحال می‌شوم. ولی کوری‌دان نیستم. این فطرت من است که نسبت به حزب توده ایران حساسیت دارم. چون فدای حق را در حزب می‌بینم و حرکت حزب را حرکت حق.»

دهقان سالخورده اصفهانی از ریشه‌های حقیقت‌جویی حزب ما، که در دوران پرنفک شاه منعمون، به رغم همه تبهکاریهای خندان پهلوی، نتشکید، سخن می‌گوید:

«بعد از سال ۳۳، شاه خیلی تبلیغ کرد که ریشه توت‌های ما از زمین کنده شود، ولی حزب توده ایران، چون حق و حقیقت با او بود، چون حرف حق می‌زد، با این همه شید که داد و ضربه خورد، ولی دروغ حقایق او را ثابت کرد و تمام اقراها قش بر آب شده.»

توجه! مقالات زیر، که در هفته گذشته در نامه مردم بجا رسیده، بر این مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود: توجّه از جنبه جنگ نباید منحرف شود (شماره ۳۷۱). دوسر بزرگ از آزمون سبکین و پربار جنگ (شماره ۳۷۲).

رژیم آمریکایی ال‌سالوادور به گشتار مبارزان ادامه می‌دهد

جنگیاتی گروه‌های تروریستی دست‌زاستی در ال‌سالوادور، که با حمایت دژودسته مزدور آمریکایی کشور دوام یازده در ۴۸ ساعت گذشته، بیش از ۴۰ کشته‌بندی گذاشت. از جمله این قربانیان رئیس اتحادیه کارگران ساختمانی کشور است.

از سوی دیگر نیروهای رژیم در یک منطقه روستایی ۱۴ خانه و دو مدرسه را ویران ساختند. نیروهای رژیمنده ال‌سالوادور اعلام کردند که ۲۰۰ تنگنادر دریایی آمریکایی در این عملیات جایگزیرانه به رژیم دست‌نشانده این کشور کمک می‌کنند و ۸ کشتی جنگی آمریکایی در ساحل کشور به گشتزنی مشغولند.

نامه مردم از زبان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ اندر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست) NAMEH MARDOM No. 375 22 November 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

ستاره سحر مردم و مردم نامه

کاروان تاریخی!

آنگاه دهقان سالخورده اصفهانی از انقلاب و انتظارات خویش از جمهوری اسلامی لب به کلام می‌گشاید: «من بعنوان یک دهقان از این انقلاب بزرگ انتظار دارم متجاوزین به حقوق اجتماعی را از صفحه روزگار کنار بزنند. نامه مردم: به این دهقان پاکدل و روشن‌بین درود می‌فرستیم. از سیامک بخاطر ارسال این گفتگو تشکر می‌کنیم.»

کشیش‌های آمریکائی، «رسولان صلح» یا «جاسوس»؟

۴. گ، یکی از پیروان سابق کلیسای کاتولیک سن‌پترزبورگ می‌گوید: «روند تعالی‌یابنده شناخت خود در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی، به‌بیان چگونگی درک ماهیت پلید کشیشان جاسوس، که با القاب دهان‌پرکن «رسولان صلح» و «ناجیان بشر» دور دنیا به راه می‌افتند، مبردارد. وی از جمله می‌نویسد:

«... بعدها پریدم که کشیش‌های آمریکائی، که جهان را زیر پا می‌گذارند، نه برای نجات مردم، بلکه برای جاسوسی است. در دوران جوانی که احتیاج به کمک داشتم، بارها به کلیسای کاتولیک خیابان فرصت مراجعه کردم، که آنها لاقل بچه‌های کوچک را نگهداری کنند، تا خود بتوانم این کشتی کوچک زندگی‌ام را، که بر روی امواج حوادث، بدون کشتیان و قلب‌نما، مستوحش بلزی‌های امواج شده بود، نجات دهم... ولی آنها با پرخشگری دست رد به سینم‌ام گذاردند.»

۴. گ در بخش پایانی نامه خود چنین می‌نویسد: «... حال با گذشت سالیان، سرد و گرم روزگار را چشیده‌ام به این خاطر، با کوله‌بار تجربه عمر به‌سرآمده، همبستگی خود را با حزب توده ایران، این حامی راستی و سعادت بشر اعلام میدارم، و بخاطر ازین‌رفتن وسایل دفتر مرکزی حزب توسط اشغالگران، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به حزب توده ایران کمک میکنم.»

نامه مردم: حینت این است که امپریالیسم برای فراهم ساختن شرایط جیالو بر بندوبست خلقها، از استفاده از همه سلاح‌زنگاریسته‌ای هم دریغ نمی‌ورزد. سیا و ای‌تی‌ان‌سی سرویس و موساد در میان کشتیها نیز عوامل خود را دارند و از مذهب برای پیشبرد هدفی ضد مردمی خود سوءاستفاده میکنند.

بعد از انقلاب شکوهمند ایران، با کشف جاسوسخانه‌های فعالی در پوشش «مدرسه اندیشه» که تحت سرپرستی مشی ردپوش جیره‌خوار اداره میشد، مردم ایران شاهد سالکوسری‌های این وابستگان به آمریکا و انگلیس و اسرائیل بودند. مرکز اسقفی اصفهان نیز، که اکنون رهبری کودتای ۱۸ نیز علیه انقلاب ایران بود، از نمونه‌های دیگر است. ☆ دوست گرامی، ف - ت، گزارش داد که در این شهر، نامه شما در اختیار رفقای مسئول قرار گرفت.

☆ دوست گرامی، ش.ق، نامه شما حاوی پاره‌ای پیشنهادها و تذکرات - برخی به‌جا و برخی قابل بحث - رسیده. دقت و نکته‌سنجی

شما را می‌ستایم. چند نامه رسیده دیگر: نامه‌های جلیل. ط. الف از تبریز، و ج درباره همکاری دو ماهه با جهاد سازندگی از ساری و دکتر م. ش. در یافت شد. از همه این دوستان، صمیمانه سپاسگزاریم.

شعر

اشعار بسیاری به مناسبت اشغال دیرخانه کمیته مرکزی حزب من و دفتر نامه مردم دریافت کرده‌ایم. همه این اشعار سرزین از لطیف‌ترین هراطب انسانی است در برخورد با این زحده نسیون، از آن مین شمریست بنام «خانه من، خانه مردم» سروده ب. کلاه. یازدهمیر از آن چنین است:

من خانه‌ام را با خون، با عصب من خانه‌ام را با استخوان و درد در طلوع هر سینه‌دم یاز می‌سازم. خانه من از مهر، از عشق ساخته شده است، خانه مرا نمی‌شود گرفت.

دوام خانه من یازروزه هفته، سال رقم نمی‌خورد، خانه من مر یال ابدیت بنا شده است. خانه من نمی‌کشدی نچار بشریت است. بگذار اشغالگران یکبار دیگر تاریخ را بیازمایند. ☆ از شعله رها شمر «آماده باش!» را دریافت کرده‌ایم. ندای هشیارانه و وحدت‌طلبانه پست برای دست‌حیزی دوماره درمه‌بله بنا دشمن نیرنگ‌باز. بخشی از آن را در زیر می‌خوانید:

ای سرزمین مستمیدم! اینک دوباره بپاخیز! و آنگاه زنگارهای بیهردگی از هر سلاح کینه فرو ریز! با چشمتی دگر با یازی خمینی توفنده، بیگنگی و جدایی راه، تو هنیازانه رها میکن! طوفان سخت بی‌میکن! آمادم باش که دشمن، هر لحظه‌اش فریب و فسون کزبست! هندارا! این لحظه‌ها، لحظه بیداریست.

شعر ستاره سحر گروان تاریخچه از یناهی سخنانی بستما رسیده است، که ایاتی از آن را می‌آوریم:

توقلب پرطیش‌باغ، در بهارانی تو رامش دل‌وشوق امیدوارانی شیدرا، به‌جین، وقت تیربارانی نمک قامت فتنه استوارانی توج‌گرفته به‌جانهای جان فزارانی مثال یاز و الهام یابیدارانی به‌گاه بزم، نوایرور هزارانی تودروخات ختکی نزل‌بارانی طین گام بر آهنگ رهبارانی تو خون زنده و پیونده دیارانی چرا که عرصه میعان جویبارانی

لئونید برژنف در جریان مذاکرات شوروی و موزامبیک گفت: اتحاد شوروی در آینده نیز همچنان قاطعانه از خلق موزامبیک پشتیبانی می‌کند

☆ رهبر موزامبیک گفت: خلق موزامبیک قاطعانه از صلح و از مبارزه خلقهای تحت‌تسلیم حمایت می‌کند

مذاکرات رسمی لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی، و سامورا ماشل، رهبر موزامبیک، در سکو پایان یافت. دو کشور موافقت‌نامه‌هایی در مورد همکاری‌های فزاینده امضاء کردند. از جمله در یکی از این موافقت‌نامه‌ها همکاری‌های گسترده‌تر حزب کمونیست اتحاد شوروی و جبهه «فره‌لیمو» پیش‌بینی شده و در موافقت‌نامه‌های دیگر، همکاری‌های اقتصادی گسترده‌تر در کشور مورد توجه قرار گرفته‌است. رهبر شوروی در جریان مذاکرات، ضمن اشاره به حمایت همه‌جانبه اتحاد شوروی از خلقهایی که علیه استعمار و امپریالیسم مبارزه می‌کنند، یادآور شد:

«اتحاد شوروی در آینده نیز همچنان قاطعانه از خلق موزامبیک پشتیبانی خواهد کرد.»

لئونید برژنف ضمن اشاره به تلاشهای امپریالیست‌جهانی برای متشنج کردن اوضاع جهان، گفت: «کشورهای صلح‌دوست باید برای برقراری صلح و خلع‌سلاح و تسخیردانی تلاش کنند.» رهبر شوروی ضمن اشاره به دگرگونیهایی گسترده‌ای که در موزامبیک در جریان است، متن برجسته بخش «فره‌لیمو» را در مبارزه آزادی‌بخش خلق موزامبیک یادآور شد. سامورا ماشل، رهبر موزامبیک نیز در سخنانی اظهار داشت: «همکاری و دوستی دو کشور براساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری گسترش می‌یابد.» سامورا ماشل افزود: «خلق موزامبیک قاطعانه از صلح و از مبارزه خلقهای تحت‌تسلیم از جمله خلقهای قمری، ال‌سالوادور و فلسطین حمایت می‌کند.»



برگزاری کنفرانس علمی پیرامون مسائل مارکسیسم - لنینیسم در اتحاد شوروی

در کنفرانسی که بوسیله انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم و شورای علمی مسائل مربوط به گرایش‌های ایدئولوژیک آکادمی علوم شوروی در سکو ترتیب یافته بود، مارکسیسم - لنینیسم و مبارزه ایدئولوژیک در ارتباط با روند سوسیالیسم در کشورهای در حال رشد مورد بحث قرار گرفت. اندیشمندان برجسته شوروی اثرات تئوری غیر مارکسیسم - لنینیسم و پراتیک سوسیالیسم واقعی را در شکل‌گیری گرایش‌های سوسیالیستی معاصر در کشورهای در حال رشد مورد بحث قرار دادند. کنفرانس به‌افتاء ماهیت ارتجاعی آنتی‌کمونیسم و برتری‌طلبی یکن بویزه تأکید کرد و سخنرانان کنفرانس لزوم تحکیم اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزادیبخش ملی را یادآور شدند.

در اجتماع بزرگی در لندن: سرکوب مردم ایرلند شمالی توسط امپریالیسم انگلستان شد

بعنوان اعتراض به سرکوب مردم ایرلند شمالی و نقض حقوق بشر در این سرزمین، که بوسیله حکومت انگلستان انجام می‌گیرد، اجتماع بزرگی از سوی گروه‌های ترقیخواه در لندن برپا شد. شرکت‌کنندگان در این میتینگ وجود اردوگاه‌های کتر اجباری

از سوی دیگر نیروهای رژیم در یک منطقه روستایی ۱۴ خانه و دو مدرسه را ویران ساختند. نیروهای رژیمنده ال‌سالوادور اعلام کردند که ۲۰۰ تنگنادر دریایی آمریکایی در این عملیات جایگزیرانه به رژیم دست‌نشانده این کشور کمک می‌کنند و ۸ کشتی جنگی آمریکایی در ساحل کشور به گشتزنی مشغولند.